

امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران؛

مؤلفه‌ها، تهدیدات و راهکارها

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹	سید محمدجواد قربی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۲۴	سید حسین محمدی نجم ^۲
صفحات مقاله: ۹ - ۵۲	

چکیده:

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران دارای مؤلفه‌های امنیتی بسیاری است و می‌توان ابعاد امنیت را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، اجتماعی، بهداشتی، زیست محیطی و فرهنگی در آن تبیین و استخراج نمود. در همین راستا، مقاله‌ی حاضر سعی دارد تا به بررسی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز بپردازد و در این مسیر، مؤلفه‌های جامعه‌ی امن فرهنگی، تهدیدات امنیت فرهنگی و راهکارهای تحصیل امنیت فرهنگی را در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی مورد مذاکره و کنکاش قرار خواهد داد. برای دستیابی به اهداف ترسیم شده این مقاله، از مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی بهره گرفته می‌شود و روش دستیابی به پاسخ سؤالات نیز از نوع تحلیل اسنادی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که برای تحقق اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز نیاز به ایجاد جامعه‌ی امن فرهنگی است که با مؤلفه‌هایی هم‌چون «جامعه‌ی اخلاقی»، «اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی»، «توسعه یافتگی متناسب با مقتضیات فرهنگی» و مؤلفه‌های فرهنگی دیگر قابلیت بازشناسی دارد. امنیت فرهنگی بر اساس مؤلفه‌های سند چشم‌انداز می‌تواند با تهدیداتی در سطوح سه‌گانه‌ی انسانی، ملی و راهبردی مواجه گردد. به همین دلیل، توجه به مؤلفه‌های تأمین امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ضروری می‌نماید که از آن جمله می‌توان به مؤلفه‌های زیر اشاره کرد: الهام‌بخشی، تعمیق عدالت اجتماعی، استقرار جامعه‌ی امن و اخلاقی، تقویت هویت اسلامی و انقلابی، متکی بودن بر ارزش‌های اسلامی، تحکیم سازگاری اجتماعی، صیانت از آزادی‌های مشروع، بازدارندگی همه‌جانبه و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی. سازمانده‌ی این مقاله این‌گونه

۱ - کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام از پژوهشکده امام خمینی (ره).

۲ - مسئول مرکز مطالعات دفاعی.

است که در بخش اول به بررسی مفهومی امنیت و امنیت فرهنگی می‌پردازیم و در بخش بعدی به کنکاش امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز، تهدیدات امنیت فرهنگی و راهکارهای نیل به سوی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله می‌پردازیم.

* * * * *

واژگان کلیدی

امنیت فرهنگی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، جامعه‌ی اخلاقی، بازاریابی همه‌جانبه، هویت اسلامی و انقلابی، سازگاری اجتماعی، ارزش‌های اسلامی.

مقدمه

طرح مسأله

موضوع امنیت ملی و ارتباط مقوله‌ی فرهنگ با آن، بحثی است که پیشینه‌ی قابل ملاحظه‌ای ندارد و با توجه به رخدادهای جهانی اخیر در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... لزوم توجه به مسأله‌ی امنیت ملی و تدارک اقدامات زیرساختی فرهنگی، از اهم امور قابل اجراست. (غلامی، ۱۳۸۳) چرخش‌های نظری و علمی در قلمرو نظریه‌های سیاسی و علم سیاست در دهه‌ی ۱۹۷۰م. بازگشتی دوباره به دولت و مرجعیت آن را در توسعه‌ی جوامع در پی داشت که آثار تألیفی زیادی در این زمینه پدیدار شد. در بخشی از علم سیاست و روابط بین‌الملل، یعنی قلمرو امنیت‌پژوهی نیز ما شاهد پیدایش مطالعات جدیدی در باب امنیت هستیم که برای نخستین‌بار مطالعات مربوط به امنیت را از دایره‌ی تنگ مسائل راهبردی و نظامی خارج ساخت و بایستی در ابعاد نظری و روشی امنیت‌پژوهی گشود. باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در چارچوب منطق اندیشه‌ی سیاسی جدید، امنیت را در درجه‌ی اول موضوع دولت می‌داند. این ادعای وی در مسیر بازکردن و تشریح ابعاد و اقسام امنیت در این کتاب به‌طور ضمنی تأیید می‌شود. (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۸۷) بحث از امنیت فرهنگی در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد و تأکید بر عناصر "فرهنگی" و "ارزشی" امنیت ملی با تعاریف جدید عرضه‌شده از مصطلح اخیر هم تناسب دارد. البته تمدن و فرهنگ

دینی و اسلامی و راهبردهای تضمین امنیت فرهنگی، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های متعددی دارد، اما در نوبت رشد تمدن و فرهنگ متعامل با دین و خلاقیت در علم و هنر بیش از هر چیز نیازمند ثبات و استقرار اجتماعی و امنیت و آسایش است. جامعه‌ی بالنده و ایمن، با تأمین و امنیت خود، خاستگاه و زادگاه تمدن و فرهنگ است و از سوی دیگر، بالندگی و ترقی تمدنی و فرهنگی نیز ضامن حفظ ثبات و امنیت و اشاعه‌ی آن و رافع تنش و بی‌ثباتی در حوزه‌ی ملی و بین‌المللی قلمداد می‌گردد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۷۵) به هر روی، بحث امنیت فرهنگی برای کشورها در عصر حاضر بسیار حائز اهمیت است و کشورهای ارزش‌مدار و دارای سبقه‌های فرهنگی، اهمیت آن دو چندان است.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه‌یافته است که جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری را با حفظ هویت اسلامی و انقلابی در منطقه خواهد داشت. بدیهی است رسیدن به این جایگاه و تبدیل کشور به نمادی برای هنجارسازی و الگوبرداری، اقتضائات و الزاماتی نیاز دارد که یکی از آنها و شاید مهم‌ترین آنها، امنیت می‌باشد. (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۴) با توجه به پیوستگی و وابستگی دو موضوع امنیت و توسعه‌ی پایدار که بحث غالب سند چشم‌انداز می‌باشد، رویکرد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران به امنیت نیز رویکرد امنیت جامع می‌باشد که می‌توان از آن تحت عنوان امنیت ملی پایدار نام برد (دوستدار، ۱۳۹۰: ۸۳)، اما از آنجایی که بررسی سند چشم‌انداز نشان می‌دهد، اصلی‌ترین هدف فرهنگی مطرح در این سند، ایجاد جامعه‌ای برخوردار از هویت اسلامی - انقلابی است و هویت اسلامی نیز ابزار حفظ و بازتولید فرهنگ اسلامی است و در صورت تحقق سند چشم‌انداز، ایران کشوری خواهد بود که فرهنگ اسلامی در آن حاکم است. (میرزمانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۴) بنابراین، صیانت و حفاظت از فرهنگ امری بایسته و ضروری می‌نماید و همین نکته، بررسی و کنکاش مقوله‌ی امنیت فرهنگی را در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را توجیه می‌نماید. به هر روی، این مقاله خواهان بررسی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز در سه بعد، تهدیدات امنیت فرهنگی، راهکارهای نیل به امنیت فرهنگی و مؤلفه‌های جامعه‌ی امن فرهنگی است. از این‌رو، سازماندهی این مقاله به این شرح است که در بخش اول به بررسی و مذاقه در باب امنیت و امنیت فرهنگی پرداخته می‌شود و در بخش دوم به کالبدشکافی امنیت در سند چشم‌انداز

۲۰ ساله خواهیم پرداخت و در نهایت، به بررسی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (مؤلفه‌ها، تهدیدات و راهکارها) در بخش سوم می‌پردازیم.

اهمیت و ضرورت پژوهش

چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور، آینده‌ی مطلوب و ممکن را برای کشور و جامعه فراهم می‌سازد. رسیدن به آینده مستلزم تأمین خواست و توان عمومی در کشور برای بالفعل ساختن همه‌ی امکانات و توانایی‌های بالقوه‌ی ملک و ملت است. الزامات فراوانی برای فراهم‌ساختن زمینه‌های تحقق چشم‌انداز قابل برشماری است که بخش زیادی از این الزامات در جای خود لازم و ملزوم بوده و متغیر و تابع یکدیگر می‌باشند. الزامات اصلی تحقق چشم‌انداز، آن دسته از الزاماتی هستند که تأمین‌کننده‌ی بیش‌تر شرایط لازم دیگر باشند. نگاه به آینده و انگیزه‌ی ساختن آینده‌ای مطلوب بر بستر فرهنگ جامعه شکل می‌گیرد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۵: ۲) و اصلی‌ترین الزام برای تحقق چشم‌انداز در جامعه، الزامات فرهنگی است. از منظری دیگر، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، زمانی ایران را کشور توسعه‌یافته و جایگاه اول منطقه ترسیم می‌کند که این توسعه‌یافتگی بر پایه و اساس بعضی از متغیرهای مهم فرهنگی شکل گرفته باشد و بدن توجه به این زیرساخت‌ها و پایه‌های اصلی مبتنی بر فرهنگ، توسعه‌یافتگی حاصل نخواهد شد. (فتحی، ۱۳۸۵: ۲)

نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ باید در پرتو تعالیم اسلامی به رشد همه‌جانبه و شایسته، تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت نایل گردد. در واقع، با توجه به زیرساخت‌های اسلامی نظام اجتماعی، اساساً نقش فرهنگ دینی و اسلامی در رابطه با دیگر خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تعیین‌کننده است. نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص هر نظام اجتماعی بیانگر اولویت یکی از خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی بر دیگر خرده نظام‌هاست. در نظام اسلامی، با توجه به ماهیت دین و شریعت اسلام که داعیه‌دار برنامه و احکام در سایر امورات اعم از فردی یا اجتماعی و... است؛ خرده نظام فرهنگی، مقدم بر سایر خرده نظام‌ها در تعامل با آنها، وظیفه‌ی همسو و هماهنگ کردن تمامی خرده نظام‌ها در تحقق اهداف ارزشی و اسلامی را دارد. نظر به این‌که

سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، توسعه‌محور است. بنابراین، با توجه به ماهیت نظام سیاسی، فرهنگ مقدم بر توسعه قرار می‌گیرد و با تعریف چارچوبه‌ی خاص از نظام اسلامی، نوع خاصی از توسعه را مدنظر قرار می‌دهد. بر این اساس، ایران توسعه‌یافته در افق ۱۴۰۴، کشوری با مؤلفه‌های فرهنگی خاص هم‌چون هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی و غیره است. این مؤلفه‌ها، بیانگر نقش راهبردی فرهنگ در تحقق سند چشم‌انداز است. از یک سو، سند چشم‌انداز در درون خود با معیارهای ارزشی هم‌چون انضباط، مسئولیت‌پذیری، وجدان‌کاری، تعاون، ایثارگری و... بیانگر تحول فرهنگی جامعه‌ی ایران در افق ۱۴۰۴ است و از سوی دیگر، هرگونه حرکت عملیاتی در راستای تحقق سند چشم‌انداز با تحولات و نابسامانی‌های فرهنگی - اجتماعی خاصی همراه است که بی‌توجهی به این تغییر و تحولات، دستاوردی جز استحاله‌ی فرهنگی برای نظام به همراه نخواهد داشت. (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۳) بنابراین، برای دستیابی به اهداف ترسیم‌شده در افق ۱۴۰۴ باید تهدیدات، نابسامانی‌ها و آسیب‌های فرهنگی را مرتفع ساخت و سعی نمود تا مؤلفه‌های فرهنگی و فرهنگ‌های راهبردی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را تقویت نمود و امنیت فرهنگی را ارتقا بخشید. به همین دلیل، مقاله‌ی حاضر در پی بررسی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز است.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از «راهکارها و شیوه‌های دستیابی به امنیت فرهنگی در متن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ روشن است برای پاسخ به سؤال اصلی فوق، نیازمند پاسخگویی به سؤالات فرعی زیر هستیم؛ امنیت و امنیت فرهنگی دارای چه بار مفهومی‌ای هستند و در سند چشم‌انداز چگونه ارزیابی می‌شوند؟ جامعه‌ی امن فرهنگی در سند چشم‌انداز دارای چه خصصت‌ها و ویژگی‌هایی است؟ تهدیدات امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کدامند؟ بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، چگونه می‌توان به امنیت فرهنگی رسید؟

پیشینه‌ی پژوهش

قصری و دوستدار (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نگرش مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی امنیت در سند چشم‌انداز از منظر دکترین امنیت انسانی پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند تا ابعاد امنیتی هفت‌گانه‌ی مدنظر امنیت انسانی را در سند چشم‌انداز بررسی و تبیین نمایند. در این پژوهش، ابعاد امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، غذایی، شخصی، محیطی و بهداشتی در متن سند چشم‌انداز استخراج گردیده است، اما مقوله‌ی امنیت فرهنگی در این پژوهش وجود ندارد و مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر امنیت نیز بررسی نشده‌اند. در پژوهشی دیگر که توسط علیرضا صدرا (۱۳۸۵) تحت عنوان «دکترین امنیت متعالی در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران» صورت گرفته است، تأکید بر امنیت متعالی و راهبردی شده است و نگارنده تصریح نموده که برای دستیابی به توسعه، نیازمند تحصیل امنیتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هستیم و بر پیوند مردم و حکومت تأکید دارد، ولی با وجود طرح بحث در خصوص امنیت در سراسر این پژوهش، اما به‌طور مستقل به موضوع امنیت فرهنگی نپرداخته است و هیچ‌گونه تعریف، شاخص‌سازی و ارائه‌ی مفهومی از امنیت فرهنگی بیان نگردیده است. علایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت پایدار در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران» بر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی امنیت پایدار هم‌چون جامعه‌ای امن، باثبات، توسعه‌یافته و الهام‌بخش تأکید دارد و همان‌گونه که از مؤلفه‌ها بر می‌آید، رویکردی اقتصادی و سیاسی نسبت به مقوله‌ی امنیت را در سند چشم‌انداز بر می‌گزیند و تمرکز خود را بر مؤلفه‌های تهدیدزا و راهبردهای پایدارسازی امنیت می‌گذارد و از پرداختن به مؤلفه‌های فرهنگی، تهدیدات امنیت فرهنگی، پایدارسازی امنیت فرهنگی و شاخص‌های آن صرف‌نظر کرده است، در صورتی که روح حاکم بر سند چشم‌انداز، بیش از آن‌که روئینایی، اقتصادمحور و سیاسی باشد، فرهنگ‌محور و ارزش‌مدار است. افتخاری و همکارانش (۱۳۹۰) در «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه» به بررسی ابعاد امنیتی و الزامات آن در سند چشم‌انداز پرداخته‌اند و بر خلاف پژوهش‌های انجام‌شده‌ی قبلی، بخشی را به فرهنگ و ارتباط

آن با امنیت در سند چشم‌انداز اختصاص داده‌اند و از این‌رو، رویکرد فرهنگی به امنیت، الزامات هویتی بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی در سند چشم‌انداز را مورد تأکید قرار می‌دهند. البته در این پژوهش، فرهنگ در کنار چهار بعد دیگر امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بخشی اندک از مقاله را شامل می‌شود. با توجه به این‌که تاکنون اثری مستقل در باب امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز صورت نگرفته است و در پژوهش‌های موجود در این زمینه مغفول مانده و یا نگاهی گذرا به این مهم شده است، مقاله‌ی حاضر در پی انجام پژوهشی مستقل در این موضوع است تا خلأهای موجود را پر نموده و زمینه‌ی پژوهش‌های کاربردی و عملیاتی دیگر را فراهم کند.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهشی این مقاله، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی، و بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی به بررسی مؤلفه‌ها، تهدیدات و چگونگی نیل به امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد.

اهداف پژوهش

- ۱) شناخت مؤلفه‌های امنیتی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران،
- ۲) تبیین امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران،
- ۳) شناخت مؤلفه‌های جامعه‌ی امن فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران،
- ۴) معرفی راهکارهای تحصیل امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران.

سازماندهی پژوهش

مقاله‌ی حاضر در دو بخش سازماندهی شده است: در بخش اول به مختصات مفهومی امنیت و امنیت فرهنگی پرداخته است. در بخش دوم، چهار موضوع مرتبط با امنیت فرهنگی

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را مورد بررسی قرار داده که عبارتند از؛ بررسی ابعاد امنیتی و امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز، ویژگی‌های جامعه‌ی امن فرهنگی، تهدیدات امنیت فرهنگی و راه‌های رسیدن به امنیت فرهنگی.

مختصات مفهومی امنیت

«سیمون و فرانک» مدعی می‌شوند که واژه‌ی امنیت به شدت از تعریف می‌گریزد و حتی عملیاتی کردن آن نیز دشوارتر است. (Frank And Simone, 1973: p.35-41) این رویکرد را می‌توان در آراء باری بوزان مبنی بر «مورد اختلاف بودن امنیت» مشاهده نمود. (Buzan, 1991: p. 7) رابرت ماندل در کتاب "چهره‌ی متغیر امنیت ملی" اعتقاد دارد که تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره‌ی مفهوم کلی امنیت، بر روی احساس آزادی از ترس و یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۸۷: ۳۸)، اما در سطح اندیشمندان حوزه‌ی روابط بین‌الملل، تعریف کاربردی از امنیت، شامل کاهش تهدیداتی است که برای ارزش‌های ضروری وجود دارد. (Williams, 2008: 4)

با این تفاسیر، امنیت از حیث ذاتی واژه‌ای غیرقطعی می‌باشد؛ یعنی نسبی است و به شکل مطلق بیان نشده است و این امر به دلیل گزینش مصادیق از گفتمان‌های مختلف است؛ از این‌رو، پیوسته مشمول عدم ثبات و سیالیت شکلی و ماهوی است. همین امر سبب می‌شود با بروز متغیرهای جدید، امنیت نیاز به بازتعریف داشته باشد. امنیت در لغت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن و حائل است. امنیت در زبان عربی مقابل «خوف» و به معنای اطمینان و در اصطلاح به معنای طمانینه و آرامشی است که ترس و نگرانی را در حوزه‌ی فردی، اجتماعی و در همه‌ی زمینه‌های توسعه‌ی مادی و معنوی از انسان دور می‌نماید. (رفیع و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲)

از دیدگاه «استانلی هافمن»^۱ امنیت عبارت است از حفاظت از یک ملت از حمله‌ی فیزیکی و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌های ویران‌کننده‌ی بیرونی. به نظر

1 - Stanly Hofmman

«ژول کومبان»^۱ امنیت واقعاً چیزی بیش از تأمین و حفظ وطن مردم و حتی سرزمین‌های ماوراهای دریا‌های متعلق به آنها معنا می‌دهد. امنیت کسب احترام و اعتبار جهانی، تأمین منافع اقتصادی مردم و هر چیز دیگری است که حیات ملت را می‌سازد. از دیدگاه «ریچارد کوپر»^۲ امنیت عبارت است از توان یک جامعه برای حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خود. (قربی، ۱۳۹۱: ۴۳)

«امنیت ملی» از مفاهیم مهمی است که در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و راهبردهای نظامی کاربرد مؤثر دارد. این واژه، گاهی به داخل کشورها معطوف بوده و گاهی به حیطه‌ی نظام بین‌الملل تسری می‌یابد. برخی، امنیت ملی را احساس آزادی کشور، در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی و اساسی و حیاتی کشور می‌دانند. برخی دیگر نیز امنیت ملی را حالت فارغ بودن ملت نسبت به تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و خاک خود می‌دانند. امنیت در لغت به معنای در امن بودن است و این ویژگی برای زمانی است که تهدید و خطری وجود نداشته باشد. یک ملت زمانی در امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، در معرض خطر قربانی کردن ارزش‌های خود نباشد و در صورت ورود به جنگ بتواند با پیروزی در جنگ، ارزش‌های خود را حفظ کند. اگر بر اساس تعاریف فوق، تأمین امنیت ملی به معنای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و اشاعه‌ی ارزش‌های ملی و اعتقادی، تأمین رفاه مردم، ثبات سیاسی کشور و تدارک امکانات فراغت خاطر جهت رویارویی با تهدیدهای گوناگون باشد، سیاست امنیتی، چگونگی طراحی برنامه‌های یک کشور برای تأمین این موارد، سیاست‌ها و برنامه‌های عملی در زمینه‌ی روابط خارجی، برنامه‌ریزی اقتصادی و برنامه‌های دفاعی یک کشور را دربر می‌گیرد. به عبارت بهتر، امنیت ملی، برآیند سیاست امنیتی است و سیاست دفاعی نیز بخشی از سیاست امنیتی می‌باشد. (رحیمی روشن، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۷)

1 - Jules Comban

2 - Richard Copper

در دعای جوشن کبیر، خداوند صاحب امن و امان معرفی شده است. خداوند متعال، از طریق نحوه‌ی خلقت جهان، تدبیر آن و نوع تشریح خود، بسترهای لازم برای امنیت را فراهم کرده است. در ادعیه به ما آموخته‌اند که به‌عنوان یک شیء باارزش، امنیت را از خداوند طلب کنیم. امام صادق^(ع) امنیت را یکی از دو نعمت برجسته و مهم در دنیا معرفی می‌کند، هرچند به خوبی از آن استفاده نمی‌شود و مورد کفران واقع می‌گردد. البته در روز قیامت نیز امنیت از جمله نعمت‌های مهمی است که از آن سؤال خواهد شد. امنیت، طبق بیان امام صادق^(ع) از جمله نیازهای اساسی است که همه‌ی انسان‌ها به آن محتاجند: «سه چیز است که همه‌ی مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و زمین حاصل‌خیز (دارای رشد و نمو)». از نظر امام علی^(ع)، امنیت زمینه‌ساز رشد مادی و رفاه در زندگی است: «رفاه در زندگی، در وضعیت امن به‌وجود می‌آید». از لحاظ معنوی نیز برقراری امنیت، زمینه را برای عبادت و ارتباط با خدا که هدف غایی زندگانی انسانی است، فراهم می‌گردد. البته پرستش در حالت ترس و ناامنی، به لحاظ سختی که همراه دارد، از ارزش بیش‌تری برخوردار خواهد بود. در صورت فقدان امنیت، انسان قدرت اندیشه‌ی خود را از دست می‌دهد و دچار دل‌پیشانی و نگرانی می‌گردد و نقص در زندگی‌اش رخ می‌دهد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «پنج ویژگی است که اگر کسی یکی از آنها را از دست بدهد، همواره زندگی او ناقص، عقل او زائل و دل او مشغول خواهد بود. اولین آنها سلامتی، دومی امنیت، سوم گشایش در رزق، چهارم مونس و یار هم‌دل و پنجمی، که همه‌ی ویژگی‌ها را در خود جمع می‌کند، آسایش و گشایش در زندگی است.» شهری که در آن امنیت نباشد، بدترین شهرها به‌حساب می‌آید. در روایت آمده که اگر در سرزمینی امنیت و سرور نباشد، در آنجا خیری هم وجود نخواهد داشت. از این مجموعه روایات، می‌توان به جایگاه و اهمیت امنیت در نگاه اسلامی پی برد. (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۶۹)

امنیت فرهنگی

فرهنگ و به‌طور اخص مذهب، در سال‌های دور به‌عنوان یک عامل امنیت‌ساز در دولت‌های ملی و امنیت‌سوز در مناقشات میان دولت‌ها مطرح بوده است. بعد از جنگ سرد، بار

دیگر امنیت ملی و امنیت جهانی ارتباط عمیق‌تری با مقولات فرهنگی یافتند. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۵۰) نظریه‌های فرهنگی به عوامل وابسته به ایده‌ها توجه دارند و مسأله‌ی امنیتی را بر اساس عوامل فرهنگی تبیین و تشریح می‌کنند. (Lynn, et. al, 1995: 4)

امنیت فرهنگی به لحاظ نقش زیرساختی فرهنگ در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و یکپارچگی فرهنگی و ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است. اگر به عناصر تشکیل‌دهنده‌ی فرهنگ (باورها و ارزش‌ها، زبان، علم و ...) به‌ویژه فرهنگ پویا و پیشرو که نقش مؤثری در اعتلا و برجسته‌سازی هویت فرهنگی بر عهده دارد، توجه کنیم، به این نکته‌ی کلیدی رهنمون می‌شویم که تحقق امنیت فرهنگی مستلزم نظارت و مدیریت بر عوامل تهدیدکننده‌ی هویت فرهنگی است و چنانچه هویت فرهنگی دچار رنگ باختگی و یا شرایط بحرانی گردد، پایه‌های امنیت فرهنگی با بی‌ثباتی و تزلزل مواجه شده و مؤلفه‌های فرهنگی در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند. رابرت ماندل معتقد است که خاستگاه مفهومی تهدید را مقوله‌ی تغییر تشکیل می‌دهد و احساس ایمن و آزادی از ترس، بیش‌تر شامل قرارگرفتن در معرض حداقل تغییر است. وی اذعان می‌کند که نکته‌ی اساسی در فراسوی امنیت فرهنگی، توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی فرهنگی بنیادی خود تحت شرایط متحول و در مقابل تهدیدهای احتمالی و یا واقعی است؛ زیرا تشخیص تهدیدهای فرهنگی از سایر ابعاد تهدید، قدری دشوارتر است. یکپارچگی فرهنگی از عوامل مؤثر در امنیت‌سازی و تحقق امنیت فرهنگی است و چنانچه لایه‌های مختلف فرهنگی بر اساس مهندسی نظام‌مند، ارتباط منسجم و ارگانیکی با یکدیگر داشته باشند و به‌خصوص در شرایط تهدید از ابزارهای یکپارچه‌سازی برخوردار گردند، می‌توانند در مقابل تهدیدها ایستادگی کرده و تندباد تغییرات را با حداقل تأثیرپذیری از خود عبور دهند. کارویژه‌ی اصلی امنیت فرهنگی، حفاظت و پاسداری از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی (ارزش‌ها، هویت و ...) در برابر تهدیدات فرهنگی است. ارزش‌ها و عناصر فرهنگی که سرمایه‌های راهبردی و عامل تداوم‌بخش حیات فرهنگی است، همواره در معرض تهدید و تهاجم همه‌جانبه بوده و در این رابطه، از طیف وسیعی از ابزارهای مادی و غیرمادی در جهت تضعیف هویت و ناامنی فرهنگی و دینی مردم استفاده شده است. (خزائی، ۱۳۸۸: ۲۱) به عبارتی

دیگر، امنیت فرهنگی به مفهوم آن است که جامعه از تمهیدات و قابلیت‌های لازم برای رفع تهدیدات فرهنگی و اجتماعی برخوردار بوده و خوف تفسیر ماهوی ارزش‌ها به حداقل برسد و مردم مطمئن باشند که دولت از موارث فرهنگی آنها که نسل به نسل تا به امروز به آنان منتقل شده است، پاسداری می‌نماید. (علی‌بخشی، ۱۳۸۹: ۱۹)

«فورست» معتقد است امنیت فرهنگی شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه‌دادن به تغییرات قابل قبول است (نک: احمدی، ۱۳۸۸: ۹۱) و در همین راستا، اذعان می‌کند که دولت‌ها دو انگیزه‌ی مهم برای سیاست‌گذاری و اجرایی خود در زمینه‌ی امنیت فرهنگی دارند:

اول این‌که هویت فرهنگی ملی در هر کشور بخش مهمی از بنیادها و ساختارهای حکومت را شکل می‌دهد. باری بوزان معتقد است مسائل فرهنگی، همگی در تفکر نسبت به دولت مؤثر هستند و ممکن است حمایت از آنها در مقابل واردات فرهنگی سلطه‌جو و منحرف‌کننده ضرورت پیدا کند. در صورت ضعیف‌بودن فرهنگ بومی حتی اثرات جانبی و ناخواسته‌ی تماس‌های فرهنگی اتفاقی می‌تواند پیامدهای مختل‌کننده و سیاسی را موجب گردند. انگیزه‌ی دوم از پرداختن به حوزه‌ی امنیت فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های ملی، پاسخ دولت به نیازی است که از سوی جامعه به‌عنوان یکی از دلایل پذیرش دولت مطرح می‌شود. حفاظت از ارزش‌های بنیادی جامعه همواره از اساسی‌ترین خواسته‌های مردم از نهادهای سیاسی به‌ویژه در ساختارهای دموکراتیک بوده است. بدین ترتیب است که دولت‌ها برای پاسخگویی به نیاز پایداری هویت فرهنگی جامعه که بقای یک ملت را تضمین می‌کند، وارد عملی می‌شوند. (آشنا و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۷۷) با این تفاسیر، امنیت فرهنگی در دو سطح ملی و انسانی قابل بررسی است:

امنیت فرهنگی در سطح ملی عبارت است از توانایی یک هویت ملی یکپارچه برای تداوم بخشیدن به ویژگی‌های متمایز و بنیادی خود تحت شرایط متحول خارجی و داخلی در حالی که پویایی فرهنگی نیز به گونه‌ای تأمین گردد که منجر به افزایش اقتدار فرهنگ ملی شود. باید توجه داشت که اقتدار فرهنگی بر اساس شیوه‌ی مواجهه‌ی بومی با تغییرات محیط

سیال خارجی و داخلی تعریف می‌گردد. در نقطه‌ی مقابل، امنیت فرهنگی انسانی نیز به شرایطی اشاره دارد که بقا و توسعه‌ی هویت‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی و در برابر نهادها و ساختارهای مختلف حاکمیت فرهنگی مانند حاکمیت‌های گوناگون از جمله دولتی، اجتماعی و جهانی به خطر می‌افتد، تهدید امنیت فرهنگی انسانی به‌وجود آمده است. در نتیجه، امنیت فرهنگی انسانی شامل تأمین آزادی‌هایی است که به هویت‌های فرهنگی افراد و گروه‌های غیرحاکم در ساختارهای آنارشیک مختلف اجازه‌ی بقا و دسترسی به منابع حیاتی برای توسعه را می‌دهد. (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸) با توجه به این دو سطح ملی و انسانی برای امنیت در حوزه‌ی فرهنگی، امنیت فرهنگی را در نگاهی جامع می‌توان این‌گونه تشریح کرد:

«مصونیت یک فرد، گروه و ملت از تعرض و تجاوز به حقوق فرهنگی‌اش، یعنی این‌که یک فرد، گروه یا ملت از تعارض و تجاوز به ارزش‌های نهادینه‌شده‌اش مصونیت داشته باشد. به عبارت واضح‌تر، هرگاه فرد، گروه یا ملتی از تعرض و تجاوز به اعتقادات دینی، عرف‌ها، قوانین، شخصیت و هویتش مصون باشد، صاحب امنیت فرهنگی است.» (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۲۴)

امنیت و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران

در ادبیات آینده‌پژوهی نیز طیف وسیعی از تعاریف درباره‌ی چشم‌انداز وجود دارد که بر تصویری از آینده تأکید دارد: چشم‌انداز یک تصویر ذهنی است که به‌وسیله‌ی قدرت تصور و البته به‌صورت غیرخیالی تهیه می‌شود، تصویری از آینده‌ی مطلوب و پاسخی به این پرسش که ما می‌خواهیم چه چیزی بیافرینیم؟ در این تعریف، بر خلاف رویکرد سنتی، چشم‌انداز، آینده‌ای نیست که باید پیش‌بینی شود، بلکه فردایی است که باید خلق شود. آنچه که در این تعاریف بر آن پای فشرده می‌شود، آن است که چشم‌انداز، توانایی نگرستن به فراتر از واقعیت موجود، خلق و ابداع آنچه که اکنون وجود ندارد، تبدیل شدن به آنچه که اکنون نیستیم، توانایی زندگی در آرمان است. بنابراین، چشم‌انداز عبارت است از «تصویری مثبت از آینده‌ی مطلوب، تصویری از این‌که آینده باید چگونه باشد». از گذشته تا کنون، روش‌های مختلفی برای ساخت چشم‌انداز، به‌صورت آشکار و پنهان در جوامع مختلف به‌کار برده شده است. به هر حال، به‌نظر می‌رسد که بهترین نوع چشم‌انداز

آن است که توسط رهبری جامعه ترسیم می‌شود که به‌وسیله‌ی مشورت با اهل فن و متخصصان و آگاهی و اشراف از وضعیت کشور می‌تواند به بهترین شکل ممکن، چشم‌انداز مطلوب و آرمان‌گرایانه‌ی منطقی را ترسیم نماید. اکنون که جامعه‌ی جهانی در محیطی آکنده از پیچیدگی و ابهام فزاینده سر بر می‌آورد، بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه دولت‌های ملی، باید با دقت بسیار اهداف امنیت ملی خود را بازشناسی و اولویت‌بندی کنند. (قربی، ۱۳۹۱: ۴۵۸)

در جمهوری اسلامی ایران برای هم‌جهت‌سازی سیاست‌های کلی، روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی به‌عنوان مصداق کاربردی، توسط دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۷۸، ضرورت ترسیم و تبیین یک افق روشن در آینده ایران مشخص شد. بنابراین، تا مدت‌ها مطالعات و مباحث تحت عنوان «افق آینده ایران اسلامی» ادامه یافت و در سال ۱۳۸۰ مفهوم «چشم‌انداز» به جای «افق آینده» مورد تأکید قرار گرفت و در سال ۱۳۸۲ پس از اصلاحاتی که مقام معظم رهبری در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره‌ی چشم‌انداز انجام دادند، به تصویب نهایی رسید و در ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۲ به قوای سه‌گانه ابلاغ گردید. (لک و علیپور، ۱۳۹۰: ۶۹-۶۸) چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران با قائل شدن جایگاه نخست علمی و اقتصادی برای ایران در میان کشورهای آسیای جنوب غربی و همسایه، به‌طور شفاف هدف‌گذاری نموده و برای خروج از وضعیت فعلی، راهبردهایی را مشخص نموده است. (لکزایی و مرادیان، ۱۳۸۵: ۲۲)

این سند در دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول که به‌عنوان بیانیه از آن یاد می‌شود، تصویری از ایران آینده ارائه می‌دهد؛ در بخش دوم که در غالب هشت بند بیان شده است، ویژگی‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف تبیین می‌کند. هدف نهایی ترسیم‌شده در این چشم‌انداز رسیدن به سطح مناسب و تعریف‌شده‌ای از توسعه است که این شاخص، آن را در بین کشورهای منطقه در ابعاد مختلفی از اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی منطبق با خصوصیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی در مقام اول قرار داده است. به‌طور کلی، اهداف سند چشم‌انداز را می‌توان در چهار زمینه مشخص کرد: زمینه‌ی اقتصادی، زمینه‌ی سیاسی، زمینه‌ی علمی و زمینه‌ی الگوی تدوین برنامه. (قصری و دوستدار، ۱۳۸۸: ۸۰) در متن اصلی سند

چشم‌انداز، مؤلفه‌های امنیت موردنظر در افق ۱۴۰۴ بیان شده است. تحلیل محتوای سند و ویژگی‌های چشم‌انداز و انطباق آن با مؤلفه‌های امنیت، شاخص‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد که توجه به آنها مفهوم و جایگاه امنیت را در این سند متجلی می‌سازد. با توجه به رویکرد چشم‌انداز می‌توان نوع نگاه به امنیت در این سند و به تبع آن، جایگاه امنیت در آن را مشخص کرد.

بررسی مؤلفه‌های سند چشم‌انداز حاکی از توجه برنامه‌ریزان به امنیت ملی مبتنی بر توسعه‌ی پایدار و جنبه‌ی ایجابی امنیت می‌باشد. در رویکرد ایجابی، تلاش برای این است که به امنیت به مثابه مفهومی مستقل نگریسته شده و تحولات نوین اجتماعی و شرایط ذهنی و عینی آن در تبیین امنیت مورد توجه قرار گیرد. در این نگرش، امنیت به «فقدان تهدید» محدود نشده و افزون بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و از این‌رو، امنیت از یک «وضعیت» به «تولید اجتماعی» تبدیل می‌شود. بنابراین، فقدان تهدید زمانی معنادار می‌شود که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این، از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد. بدین ترتیب، کسب قدرت و توانایی در کانون تعریف این رویکرد از امنیت واقع شده و بر این اساس، امنیت برای پیشرفت و رفاه جایگزین تعاریف دیگر می‌گردد و گسترش امنیت به‌جای کسب و حفظ آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. (علایی، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۹)

بر اساس سند چشم‌انداز، محورهای هشت‌گانه‌ای که ایران اسلامی در افق ۱۴۰۴ باید آن را با قدرت لایزال الهی محقق سازد، به این ترتیب هستند:

- ۱) اقتصاد: جایگاه اول اقتصادی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، اشتغال کامل و ...؛
- ۲) سیاسی: تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای و ...؛
- ۳) اجتماعی: متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید علم و ...؛
- ۴) فرهنگی: هویت اسلامی و انقلابی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، مفتخر به ایرانی بودن و ...؛
- ۵) دانایی: برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری...؛

- (۶) نظامی: امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و ...؛
- (۷) بهداشتی و زیست‌محیطی: سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب و ... (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۲)

با توجه به مؤلفه‌های بالا، می‌توان به ابعاد هشت‌گانه‌ی امنیت در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اشاره کرد و این چندبعدی بودن امنیت، نشان از نرم‌افزاری بودن امنیت در سند چشم‌انداز، جامعیت امنیتی سند چشم‌انداز، ماهیت کلان و چند وجهی سند چشم‌انداز دارد که در شکل زیر مؤلفه‌های امنیتی در سند چشم‌انداز را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

جدول شماره‌ی ۱ - ابعاد امنیتی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران

ابعاد امنیتی	مصادیق مؤلفه‌های امنیتی در متن سند چشم‌انداز
امنیت اجتماعی	امنیت اجتماعی، امنیت قضایی، پیوستگی مردم و حکومت، تأمین اجتماعی، عدم تبعیض، عدالت اجتماعی، نهاد مستحکم خانواده.
امنیت سیاسی	حفظ حقوق انسان‌ها، مردم‌سالاری دینی، دوری از فساد، تعامل سازنده و مؤثر با جهان، سامان دفاعی، فساد، بازدارندگی همه‌جانبه، پیوستگی مردم و حکومت.
امنیت فرهنگی	هویت اسلامی و انقلابی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، مفتخر به ایرانی بودن، ایمان، آرمان‌ها و اصول، الهام‌بخشی، مقتضیات فرهنگی، اصول اخلاقی، ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، جامعه‌ی اخلاقی.
امنیت شخصی	حفظ کرامت انسان‌ها، حفظ حقوق انسان‌ها، آزادی‌های مشروع، امنیت قضایی.
امنیت اقتصادی	دوری از فقر، اشتغال کامل، تأمین اجتماعی، ارتقای نسبی سطح درآمد، برخوردار از فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، برخوردار از رفاه، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، به دور از تبعیض، توسعه‌یافته.
امنیت بهداشتی	سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، امنیت غذایی، دوری از فقر.
امنیت محیطی	بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب
امنیت غذایی	امنیت غذایی، به دور از فقر.

تبیین امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز؛ ارائه الگوی بومی

در اصل سوم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ این چنین آمده است: «امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.» (اصل سوم سند چشم‌انداز)

افق‌های ترسیم‌شده‌ی فوق، نشان‌دهنده‌ی اهمیت امنیت در سند چشم‌انداز است، اما نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، رابطه‌ای است که بین فرهنگ راهبردی و امنیت پایدار و همه‌جانبه در سند چشم‌انداز وجود دارد. در اصل سوم تأکید شده است که جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ باید «امن، مستقل و مقتدر» باشد و این ایمنی و آرامش با دو عنصر "بازدارندگی" و "پیوستگی مردم و حکومت" هم‌نشین شده باشد و این دو مؤلفه، جزئی از فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردند و نگاهی به تحولات تاریخی ایران بعد از انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی هشت ساله و غیره، گواه این مدعاست. در جای‌جای سند چشم‌انداز به مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی اشاره شده است که ارتباطی وثیق با امنیت‌سازی و پایدارسازی امنیت در راستای ساختن کشوری «توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، و الهام‌بخش در جهان اسلام» دارد. (مقدمه‌ی سند چشم‌انداز)

در اصل اول سند چشم‌انداز تأکید شده است که توسعه‌یافتگی باید «متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود» باشد و در ادامه‌ی این سند چشم‌انداز تأکید شده است که جامعه‌ی ایرانی باید در افق این چشم‌انداز «متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی» باشد. در عین حال، در بند پنجم سند چشم‌انداز تأکید شده است که ایران در افق ۱۴۰۴ باید «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن» باشد و با توجه به این ویژگی‌های فرهنگی اکتسابی، باید «الهام‌بخش» (اصل هفتم سند چشم‌انداز) در جهان اسلام باشد و یکی از ویژگی‌های الهام‌بخش نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غرب و جهان اسلام، «جامعه‌ی اخلاقی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز) است که بر اساس «تعالیم اسلامی» و

«اندیشه‌های امام خمینی^(ره) (اصل هفتم سند چشم‌انداز) صورت می‌پذیرد. این مؤلفه‌های فرهنگی در کنار یک پیوند هویتی در سند چشم‌انداز قرار دارد، به‌گونه‌ای که ماهیت ایران توسعه‌یافته در چشم‌انداز ۲۰ ساله، باید دارای «هویت اسلامی و انقلابی» باشد. مؤلفه‌های فرهنگی سند چشم‌انداز در دو سطح انسانی و ملی نشان از حاکمیت ارکان و مؤلفه‌های فرهنگی بر این سند است و می‌توان مدعی شد که فرهنگ به مثابه هسته‌ی میانی امنیت در سند چشم‌انداز می‌باشد و همین موضوع، امنیت فرهنگی را امری بایسته و شایسته می‌گرداند.

مؤلفه‌های زیادی در سند چشم‌انداز وجود دارند که ریشه در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارند و تقویت این مؤلفه‌ها بر توان امنیت ملی ایران می‌افزاید و هرگونه تزلزل و ناامنی در این مؤلفه‌های راهبردی، امنیت پایدار جمهوری اسلامی را در افق ترسیم شده مورد خدشه قرار می‌دهد. برخی از این مؤلفه‌هایی که ریشه در فرهنگ راهبردی ایران دارند، عبارتند از عزم ملی، هویت اسلامی و انقلابی، جغرافیا، تاریخ، اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، مردم‌سالاری دینی، سامان دفاعی، بازدارندگی، پیوستگی مردم و حکومت، مسئولیت‌پذیری، ایثارگری، برخورداری از وجدان‌کاری، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، مفتخر به ایرانی‌بودن، الهام‌بخشی، فعال و مؤثر در جهان اسلام، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیش و پویایی فکری و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان، اصول عزت، حکمت و مصلحت، عدالت اجتماعی و... با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان داشت که با تأمین امنیت در سطح فرهنگ ملی و تأمین امنیت فرهنگ انسانی در سند چشم‌انداز می‌توان محیط امن فرهنگی را محقق ساخت.

الگوی امنیت فرهنگی در سطح ملی

الگویی که برای شناخت امنیت فرهنگی می‌توان آن را ارائه داد، در سطح ملی در سه محیط امنیتی تأمین می‌گردد:

سطح خارجی:

الف) نوآوری در تماس فرهنگی: این مؤلفه ناظر بر مدیریت تغییرات دارای منشأ بیرونی است، به‌نحوی که این تغییرات، بومی تلقی شده، تدریجی و تکاملی بوده و

در منظومه‌ی فرهنگ ملی ایجاد تناقض نکنند. این نوآوری‌ها از آنجا منجر به ارتقای امنیت و اقتدار فرهنگی می‌شوند که در یک چارچوب ایجابی، انعطاف و قدرت تطابق فرهنگ ملی را با محیط سیال خارجی و داخلی افزایش می‌دهند.^۱

ب) **نفوذگری در تماس فرهنگی:** مشارکت در ساخت فرهنگ جهانی به‌وسیله‌ی تحت تأثیر قراردادن آن توسط چارچوب‌های ارزشی و رفتاری فرهنگ ملی و حرکت به سمت تبدیل شدن به یک فرهنگ غالب در جهان شیشه‌ای و بسیار روئیت‌پذیر امروز علاوه بر ارتقای سطح امنیت ملی در یک فرایند خاص، منجر به افزایش اقتدار فرهنگ ملی در داخل در برابر هرگونه حرکت واگرا خواهند شد.^۲

سطح داخلی:

الف) **اقتدار فرهنگی ملی:** فرهنگ ملی به‌عنوان فرهنگی که حاصل در کنار هم قرارگرفتن خرده فرهنگ‌های متنوع موجود در مرزهای ملی است، باید به‌نحوی تبیین گردد که هر یک از خرده فرهنگ‌ها، هویت خود را به‌عنوان عضوی از آن تفسیر نمایند. پذیرش فرهنگ ملی از سوی خرده فرهنگ‌ها که ناشی از اقتدار داخلی آن است، تهدیدات فرهنگی واگرا را خنثی می‌کند. علاوه بر این، از آنجا که یک فرهنگ ملی برخوردار از چنین گنجینه‌ی متنوعی، قابلیت بروزهای فرهنگی قدرتمندی دارد، این امر به منزله‌ی افزایش توان نفوذگری و انطباق نیز محسوب می‌شود.^۳

۱ - این راهبرد با اصل «الهام‌بخشی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز) و اصل «نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز) هم‌خوانی دارد.

۲ - این راهبرد با اصول «الهام‌بخشی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز)، «فعال و مؤثر در جهان اسلام» (اصل هفتم سند چشم‌انداز)، «تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز)، «دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان» (اصل هشتم سند چشم‌انداز)، «تعامل سازنده» (مقدمه سند چشم‌انداز)، «تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)» (اصل هشتم سند چشم‌انداز) و «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن» (اصل پنجم سند چشم‌انداز) قرابت دارد.

۳ - اصول «هویت اسلامی و انقلابی» (مقدمه سند چشم‌انداز)، «متناسب با مقتضیات فرهنگی» (اصل اول سند چشم‌انداز)، «متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی» (اصل اول سند چشم‌انداز)، «حفظ

سطح متداخل:

تقویت قلمرو فرهنگی - تمدنی: این مؤلفه ناظر بر خرده فرهنگ‌هایی است که دارای خویشاوندی در خارج از قلمروهای سیاسی‌اند. این خرده فرهنگ‌ها تنها ناظر به خرده فرهنگ‌های قومی نیستند، بلکه خرده فرهنگی‌های مذهبی، تخصصی، صنفی و غیره را نیز دربر می‌گیرند. در صورت اقتدار فرهنگی ملی بر خرده فرهنگ‌های داخل و توانایی نفوذگری فرهنگ مناسب، به دلیل وجود رابطه با خویشاوندان خارجی می‌توان قلمرو اقتدار فرهنگی و تمدنی فرهنگ ملی را به خارج از مرزهای سیاسی گسترش داد و از منافع امنیتی، فرهنگی و سیاسی آنها بهره برد.^۱

الگوی امنیت فرهنگی در سطح انسانی:

مؤلفه‌های امنیت فرهنگی انسانی عبارتند از:

(۱) **حفظ خصوصیات هویتی متمایز خرده فرهنگ‌ها:** این مؤلفه ناظر به حفظ هویت‌های فرهنگی غیرحاکم در مجموعه‌ی تحت حاکمیت یک فرهنگ ملی است. این امر از یک سو منجر به رضایت اعضای خرده فرهنگ‌ها از تعامل با فرهنگ حاکم شده و از سوی دیگر، منابع و ذخایر ارزشمندی را برای حفظ قدرت تطابق، تحول مثبت و رونق فرهنگی در اختیار قرار می‌دهد.

(۲) **حفظ حق تماس فرهنگ‌های غیرحاکم با جریان‌های فرهنگی جهانی:** چنین امکانی موجب می‌شود تا توانایی تحول درونی هر یک از خرده فرهنگ‌ها حفظ شده و رونق فرهنگی در عموم خرده فرهنگ‌ها افزایش یابد و در پی آن امکان حفظ حیات این

کرامت و حقوق انسان‌ها» (اصل اول سند چشم‌انداز)، «بهره‌مندی از امنیت اجتماعی» (اصل اول سند چشم‌انداز)، «پیوستگی مردم و حکومت» (اصل سوم سند چشم‌انداز)، «سازگاری اجتماعی» (اصل پنجم سند چشم‌انداز)، «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران» (اصل پنجم سند چشم‌انداز)، «مفتخر به ایرانی بودن» (اصل پنجم سند چشم‌انداز) و «تعامل سازنده» (مقدمه‌ی سند چشم‌انداز) بر اقتدار فرهنگی ملی و ایجاد بسترهای ارتقای فرهنگ ملی تأکید دارند که امری مهم محسوب می‌گردد.

۱ - این راهبرد با اصل «الهام‌بخشی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز)، «روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی» (اصل پنجم سند چشم‌انداز) و «همگرایی» (اصل هفتم سند چشم‌انداز) تعامل دارد.

خرده فرهنگ‌ها تقویت شود. از سوی دیگر، این مسأله میزان احساس آزادی را برای خرده فرهنگ‌ها تحت حاکمیت یک فرهنگ ملی تقویت نموده و رضایت آنها را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، در صورت وجود تعامل میان خرده فرهنگ‌های یک فرهنگ ملی با جهان خارج، یک فرهنگ ملی با ابزارهای به‌روزتری می‌تواند در مواجهه با جریان‌های جهانی‌شدن از خود واکنش نشان دهد.

۳) **حفظ بنیان‌های ارزشی و اخلاقی فرهنگ:** حفاظت از بنیان‌ها و ارزش‌های پذیرفته‌شده‌ی عمومی در مقابل جریان‌های منحرف و ساختارشکن یکی از اصلی‌ترین مطالبات عمومی مردم از نهاد حاکمیت در حوزه‌ی فرهنگ است. در صورتی که این خواسته پاسخ داده نشود، نه تنها رضایت عمومی از حاکمیت فرهنگی از میان می‌رود، بلکه مشروعیت و مقبولیت عمومی آن نیز با چالش مواجه می‌شود. (آشنا و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۶)

به هر روی، با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و ابعاد امنیتی حاکم بر سند چشم‌انداز بیست و سه ساله، امنیت فرهنگی را در افق ۱۴۰۴ می‌توان این‌گونه بازتعریف نمود: «کوششی برنامه‌ریزی شده و مدبرانه در راستای صیانت و حراست از اصول اساسی نظام اسلامی، ارزش‌ها، باورهای اعتقادی و فرهنگ راهبردی نظام سیاسی. در عین حال تقویت هویت ملی و ارزشی در کنار تحکیم الگوهای فرهنگی رایج ملی و انسانی را به نوعی می‌توان امنیت فرهنگی قلمداد نمود.»

مؤلفه‌های کشور امن فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران

در متن سند چشم‌انداز، مؤلفه‌هایی وجود دارد که دلالت بر لزوم جامعه‌ای با امنیت فرهنگی در افق ۱۴۰۴ دارد. در مقدمه‌ی سند چشم‌انداز بر «آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» به‌عنوان شاهکله‌ی حرکت دسته‌جمعی و مدبرانه یاد شده است و ایران ضمن رسیدن به مرحله‌ی الهام‌بخشی و دستیابی به موقعیت و جایگاه اول منطقه‌ای از نظر اقتصادی، علمی و فناوری، باید در مسیر اصول مندرج در قانون اساسی و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران حرکت نماید. این بدان معناست که اصول مندرج در قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی که آرمان‌های امام خمینی^(ره)

می‌باشد، نه تنها در مسیر توسعه بلکه در تمامی مراحل حائز اهمیت است و به نوعی با امنیت وجودی جمهوری اسلامی ایران پیوندی عمیق دارد و تهدید این اصول و آرمان‌ها، سستی و رخوت را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد و در عین حال، مشروعیت و مقبولیت نظام را در نزد مردم مورد خدشه‌دار می‌کند، زیرا این اصول و آرمان‌ها به فرهنگ راهبردی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. نمونه‌ی چنین امری را می‌توان در دوران هشت ساله‌ی جنگ تحمیلی مشاهده نمود که همین آرمان باوری و پای‌بندی به اصول انقلاب در جامعه‌ی ایرانی، بسترهای حفظ کیان نظام سیاسی ایران را فراهم آورد و امروزه هم برای رسیدن به درجات بالای علمی، اقتصادی و سیاسی نیازمند تقویت آرمان‌ها و اصول اساسی مندرج در قانون اساسی است؛ زیرا پیشرفت و تعالی نیازمند یک «عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه‌ی جمعی» است که در پناه آرمان‌های مشترک و تحکیم اصول اخلاقی و ارزشی نظام به‌دست می‌آید.

در اصل اول سند چشم‌انداز بر این نکته تأکید دارد که جامعه‌ی ایرانی در افق ۱۴۰۴ باید کشوری توسعه‌یافته باشد، ولی این توسعه‌یافتگی باید در پرتو مقتضیات فرهنگی صورت گیرد. در این اصل چنین آمده است: «توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود» (اصل اول سند چشم‌انداز). بنابراین، یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه‌ی امن فرهنگی در افق ترسیم‌شده برای جامعه‌ی ایرانی، «توسعه‌یافتگی مبتنی بر مقتضیات فرهنگی» است. این اصل دلالت بر این امر دارد که توسعه‌یافتگی در بستر دستاوردهای سایر کشورها و به‌خصوص منطبق با الگوهای رایج غربی، استلزامات فرهنگی و ارزشی خاص خود را به همراه خواهد داشت و این پیش‌فرض‌ها و احکام فرهنگی و ارزشی حاکم بر الگوهای توسعه‌ی غیربومی، بر فرهنگ بومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه تأثیر سلبی خواهد داشت و به مثابه تهدیدی فرهنگی می‌تواند کیان فرهنگ بومی و ارزشی را با تزلزل همراه سازد و در نهایت، استحاله‌ی فرهنگی را به همراه داشته باشد و این امر برای نظام‌های سیاسی ارزش‌مدار بسیار خطرناک است. در همین اصل، ابتدا بر «اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی» تأکید شده است. بنابراین، جامعه‌ی ایرانی در افق ۱۴۰۴ باید جامعه‌ای امن از لحاظ فرهنگی بوده و اصول اخلاقی در کنار ارزش‌های اسلامی و ایرانی باید در جامعه تحقق یابد و هرگونه دگردیسی در این اصول و اخلاقیات، امنیت فرهنگی جامعه را تهدید می‌کند و ناامنی فرهنگی دستاورد آن خواهد بود.

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه‌ی امن فرهنگی در ایران ۱۴۰۴، «حاکمیت خصال فرهنگی کارآمد» در جامعه است. در اصل پنجم سند چشم‌انداز به برخی از این اصول فرهنگی کارآمد تأکید شده است: «فعال»، «مسئولیت‌پذیر»، «ایثارگر»، «مؤمن»، «رضایت‌مند»، «برخوردار از وجدان‌کاری»، «روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی» و غیره. جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز باید این ویژگی‌ها را داشته باشد و قاعدتاً در آوردگاه چنین مؤلفه‌های مثبت و تأثیرگذاری، جامعه از خیلی آسیب‌ها و آفت‌های فرهنگی به دور خواهد بود و زمینه برای همدلی و اتحاد ملی فراهم می‌گردد و در چنین جامعه‌ای، افکار مسموم قابلیت رشد و نمو نخواهد داشت. در عین حال، از آنجایی که همگی این مؤلفه‌ها برآمده از متن آموزه‌های اسلامی و ایرانی هستند، بر پویایی فرهنگی نظام اسلامی می‌افزاید و از خطرات تهدیدات فرهنگی که سستی و رخوت را به همراه خواهد داشت، جلوگیری می‌کند.

در اصل هفتم بر اصولی هم‌چون «فعال و مؤثر در جهان اسلام»، «جامعه‌ی اخلاقی»، «نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی» و «تجکیم الگوی مردم‌سالاری دینی» تأکید شده است. این اصول بر یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه‌ی امن فرهنگی اشاره دارد که همان «جامعه‌ی پویا و مردم‌سالار» است. فرهنگ در جوامع ساکن و بدون تحرک همواره تهدید می‌شود و از مقابله با تهدیدات فرهنگی ناتوان است، اما جوامع پویا و دارای تحرک اجتماعی، فرهنگ نه تنها دارای توان بازدارندگی است، بلکه از پتانسیل «الگو شدن» نیز برخوردار خواهد بود. بنابراین، ویژگی دیگر جامعه‌ی دارای امنیت فرهنگی، پویایی و تحرک مردم است و این مردم هستند که از فرهنگ خود در برابر آسیب‌ها صیانت می‌کنند. باید در نظر داشت که تحصیل امنیت فرهنگی، بیش از آن‌که از بالا به پائین باشد، جریانی از پائین به بالا و در مسیر تعاون همگانی و کوشش جمعی تحقق می‌یابد.

تهدیدات امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران

در متن سند چشم‌انداز بر مؤلفه‌های امنیت فرهنگی اشاره شده است و رویکردی ایجابی نسبت به مؤلفه‌های فرهنگی وجود دارد. به عبارت دیگر، با تحلیل محتوای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و مهندسی معکوس مؤلفه‌های فرهنگی، هویتی و ارزشی می‌توان تهدیدات امنیت فرهنگی را در

افق ۱۴۰۴ برشمرد. در همین راستا، با بررسی سند چشم‌انداز، علاوه بر دو سطح انسانی و ملی، به بررسی تهدیدات امنیت فرهنگی در سطح راهبردی هم خواهیم پرداخت.

جدول شماره‌ی ۲ - تهدیدات امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران

سطح انسانی	سطح ملی	سطح فرهنگ راهبردی
ضعف ایمان، رواج آزادی‌های نامشروع، رواج فساد، عدم فعالیت مناسب شخصی، عدم مسئولیت‌پذیری، کاهش ایثارگری، اضمحلال وجدان‌کاری، بی‌انضباطی، کاهش افتخار به ایرانی بودن، تقلیل روحیه‌ی تعاون در اشخاص، رعایت نشدن کرامت و حقوق انسان‌ها،	تزلزل در عزم ملی، تضعیف آرمان‌ها و اصول انقلابی، تخریب هویت اسلامی و انقلابی، عدم الهام‌بخشی و تأثیرپذیری از الهام‌بخشی کشورهای دیگر، کاهش امنیت اجتماعی، رواج اصول غیراخلاقی و ارزش‌های غیراسلامی، مخدوش شدن روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، تضعیف جامعه‌ی اخلاقی، تضعیف بنیان مستحکم خانواده، عدم توانایی در برپایی عدالت اجتماعی، توسعه‌یافتگی نامتناسب با مقتضیات فرهنگی، کاهش کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه‌ی جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها،	عدم الهام‌بخشی در جهان اسلام، کاهش تعامل‌سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، تضعیف مردم‌سالاری دینی، کاهش سرمایه‌های اجتماعی، کاهش اقتدار و استقلال، تضعیف سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه، کاهش وابستگی به انقلاب و نظام اسلامی، تضعیف الگوی مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، تزلزل در نواندیشی، کاهش پویایی اجتماعی، ناکارآمدی در همگرایی اسلامی، تضعیف اصول عزت، حکمت و مصلحت، کاهش میزان پیوستگی مردم و حکومت

راهکارها و چگونگی نیل به سوی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز

با مذاقه در اصول هشت‌گانه‌ی سند چشم‌انداز می‌توان به این مهم پی برد که تحصیل امنیت پایدار به‌طور اعم و امنیت فرهنگی به‌طور اخص به‌وسیله‌ی شیوه‌های ایجابی و نرم‌افزاری صورت می‌گیرد. چند نکته در خصوص دستیابی به امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز وجود دارد که باید در نظر گرفته شود: اول این‌که نیازمند عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی است؛ دوم این‌که فعالیت‌های جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی علمی باید متناسب با مقتضیات فرهنگی صورت پذیرد؛ سوم این‌که هویت اسلامی و انقلابی در کنار ارزش‌های اخلاقی و اسلامی باید مورد صیانت قرار گیرند؛ چهارم این‌که برای تحصیل امنیت فرهنگی به همکاری، وفاق و پیوستگی مردم و حکومت نیاز است؛ پنجم این‌که الگوهای الهام‌بخش فرهنگی و هویتی باید در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل تحکیم شوند. به هر روی، برخی از راهکارهای تحصیل امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به شرح زیر هستند:

الهام‌بخشی (اصل هفتم سند چشم‌انداز)

مفهوم الهام‌بخشی، ظرفیت به‌مراتب بیش‌تری در قیاس با قدرت نرم برای رساندن پیام اسلام و جمهوری اسلامی ایران دارد. الهام‌بخشی به‌جای مغزها اغلب متوجه قلب‌هاست و با قلب‌ها سخن می‌گوید. ممکن است ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و سیاست‌های یک کشور با کشوری دیگر متفاوت باشد، اما پیام یک کشور بر دل مردم کشور دیگر بنشیند؛ همان‌گونه که پیام انقلاب اسلامی ایران با وجود رخ‌دادن در یک سرزمین متفاوت، به دل بسیاری از مسلمانان جهان نشست. انقلاب اسلامی، الهام‌بخش شد چون در فضای آن روز جهان، اصول فراموش‌شده‌ای را مورد تأکید قرار داد که به باور خیلی‌ها این اصول در حال انقراض بود. فضای داخلی، وحدت و هم‌دلی گروه‌های سیاسی و مردم نیز پشتوانه‌های این الهام‌بخشی بودند. گفتمان سیاسی-اجتماعی برآمده از انقلاب اسلامی به پشتوانه‌ی فکری-عقیدتی نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و بازتولید این گفتمان در سال‌های بعد، بقا و توسعه‌ی نظام را تضمین کرد. به تعبیری، جمهوری اسلامی پس از استقرار و حتی در

دوره‌ی جنگ تحمیلی، قدرت خود را نه بر پایه‌ی نیروهای نظامی، انتظامی یا شبه‌نظامی و در خیابان‌ها، بلکه بر پایه‌ی ایمان و باور استوار کرد. به بیان دیگر، هسته‌ی اصلی امنیت جمهوری اسلامی ایران، امنیت فرهنگی و اجتماعی است که بر پایه‌ی پذیرش زندگی موردنظر و تبلیغ جمهوری اسلامی از سوی جامعه‌ی ایرانی استوار شده است. (قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۵۹) در اصل هفتم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در باب الهام‌بخشی این چنین آمده است: «الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی^(ره)». (اصل هفتم سند چشم‌انداز) در عین حال، در مقدمه‌ی سند چشم‌انداز هم بر الهام‌بخش بودن جامعه‌ی ایرانی تأکید شده است. هرچند با توجه به متن سند چشم‌انداز، جامعه‌ی ایرانی الهام‌بخش در جهان اسلام خواهد شد، ولی باید به این نکته تأکید داشت که برای الهام‌بخشی و الهام‌بخش شدن نیاز به مؤلفه و فاکتورهای ملی در سامان سیاسی است. از منظری دیگر، الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران، ناظر بر وجود مؤلفه‌هایی فرهنگی در جامعه‌ی ایرانی است که زمینه‌ساز رشد و تعالی نظام سیاسی و جامعه‌ی ایرانی شده است و همین گزینه، زمینه‌های الهام‌بخشی آن را برای کشورهای منطقه و جهان اسلام فراهم می‌آورد. الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز را می‌توان در مؤلفه‌هایی هم‌چون «الگوی مردم‌سالاری دینی»، «الگوی توسعه‌ی کارآمد»، «جامعه‌ی اخلاقی»، «نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی»، «همگرایی»، «پیوستگی مردم و حکومت»، «هویت اسلامی و انقلابی»، «تعامل سازنده»، «ایشانگری»، «مسئولیت‌پذیری»، «رضایت‌مندی»، «انضباط»، «متعهد بودن به نظام» و غیره مشاهده نمود.

با این تفاسیر، جامعه‌ی اسلامی ایران قبل از این‌که الهام‌بخش در سطح منطقه و جهان اسلام باشد، باید الهام‌بخش در سطح ملی میان شهروندان جامعه‌ی خود باشد. بنابراین، نظام سیاسی موظف است مؤلفه‌ها و بایسته‌های یک نظام سیاسی فرهنگی و ارزش‌مدار را برای شهروندان خود درونی سازد و الهام‌بخش جامعه‌ی خویش در وهله‌ی اول باشد. بر اساس اصل پنجم متن سند چشم‌انداز، شهروندان جمهوری اسلامی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

«فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان‌کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.» (اصل پنجم چشم‌انداز)

در کنار شاخص‌های فوق، می‌توان از مؤلفه‌های دیگری نیز یاد نمود که دولت موظف است زمینه‌های تحقق این شاخص‌ها را فراهم آورد و از آنجایی که مؤلفه‌های فوق، فرهنگی و ارزشی هستند، راهبرد اجرایی نمودن آنها، الهام‌بخشی است. تحقق این مؤلفه‌های فرهنگی، ضریب امنیت فرهنگی را ارتقا می‌بخشد و هرگونه تزلزل در الهام‌بخشی در سطح ملی، آنومی فرهنگی، تزلزل در مبانی ارزشی، درونی‌سازی ناقص ارزش‌های راهبردی و در نهایت ناامنی فرهنگی می‌شود. بنابراین، جامعه‌ای قوی و امن باید از عنصر الهام‌بخشی به‌خوبی برخوردار باشد و پس از تقویت بنیه‌های فرهنگی و ارزشی خود در زمینه‌های مختلف، از سیاسی گرفته تا اقتصادی، باید الهام‌بخشی خود را وسعت بخشد و با ارائه‌ی الگوهای کارآمد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زمینه‌های حراست از فرهنگ بومی - ارزشی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه دهد. علت این برون‌نگری الهام‌بخشی، وجود تهدیدات فرهنگی در جامعه‌ی بین‌المللی است که در پرتو جهانی‌شدن فرهنگی، میل و گرایش به یکنواختی فرهنگی و ترویج ویروس‌های لیبرالی (به تعبیر سمیر امین) در جوامع ارزشی دارند. بنابراین، الهام‌بخشی یک ویژگی بارز جوامع امن فرهنگی است که فرهنگ بومی - ارزشی را در سه سطح انسانی، ملی و بین‌المللی حفاظت می‌کند.

تعمیق «عدالت اجتماعی» (اصل اول سند چشم‌انداز)

عدالت همواره یکی از محوری‌ترین مسائل در اندیشه و تاریخ سیاسی بشر بوده است. در هیچ جامعه و برهه‌ای از تاریخ نمی‌توان ردپایی از مجادلات بی‌پایان در خصوص مسأله‌ی عدالت نیافت. مسأله‌ی عدالت در ادیان توحیدی از جایگاه والایی برخوردار است. در واقع، مصداق و دغدغه‌ی عدالت‌خواهی، همواره مردم و شهروندان نظام‌های سیاسی بوده‌اند. انقلاب اسلامی با این‌که از جهت ظاهری، کم‌ترین شعار و دغدغه را برای رفع نیازهای اقتصادی

(یعنی یکی از موازین عدالت) داشته است، ولی برای همگان روشن بود که مفهوم عدالت، از کلیدی‌ترین اهداف انقلاب و برپایی جمهوری اسلامی بوده است تا جایی که رعایت آن جزء کامل‌کننده‌ی جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. مفهوم عدالت در جنبه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نمود پیدا می‌کند، ولی در جمهوری اسلامی، تمامی این جنبه‌ها در ترکیب «عدالت اسلامی» جمع می‌گردد. برپایی عدالت اسلامی جزء جدایی‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی و در زمره‌ی بدیهی‌ترین لوازم امنیت نظام مطرح می‌گردد. تأکید بر عدالت اجتماعی به منزله‌ی یکی از ارزش‌های فرهنگی و اولیه‌ی اسلامی، از دیدگاه امنیتی؛ اولاً باعث جلوگیری از وهن نظام اسلامی می‌شود؛ چرا که کردار دولت اسلامی به حساب اصل اسلام گذاشته خواهد شد. ثانیاً، استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی را امکان‌پذیر می‌کند، چرا که در تاریخ دیرینه‌ی ایران، اعمال روش‌های استبدادی و بی‌عدالتی شیوه‌ی رایج بسیاری از زمان‌ها بود. (ولی پورزومی، ۱۳۸۳: ۷۷-۷۵)

نام‌گذاری دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی به نام دهه‌ی «پیشرفت و عدالت» از سوی عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده‌ی جمهوری اسلامی ایران، نشانگر اهمیت مفاهیمی هم‌چون عدالت، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و هم‌چنین مقابله با تبعیض، به‌عنوان یکی از هنجارهای مهم فرهنگی - هویتی دولت ایران است که برگرفته از آموزه‌های اسلامی - شیعی است. در این زمینه، هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب گسترده‌ای دارد. بند نهم از اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده تا در راه تحقق اصل عدالت اسلامی، تمامی تلاش خود را به کار بندد و در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نکند. علاوه بر این، اصل نوزدهم بر عدالت در امور اجتماعی تأکید دارد، اصل بیستم و نوزدهم هم بر اجرای عدالت تأکید دارند. هم‌چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی، در راستای هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی؛ دولت را موظف به حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان اسلام کرده است. (رسولی‌ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۷)

به همین دلیل است که می‌توان بیان داشت که هرگاه روابط اجتماعی در هر جامعه‌ای از مدار عدالت خارج شود، آن جامعه را دچار اختلاف و ناامنی فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و

اقتصادی می‌سازد. امنیت واقعی در یک کشور زمانی به‌وجود می‌آید که افراد جامعه بر اساس ضوابط به‌طور عادلانه از حق خود بهره‌مند باشند. ناامنی‌های فرهنگی و اجتماعی زائیده‌ی بی‌عدالتی‌ها هستند. تبعیض در هر جامعه‌ای آفتی است که تشویش، نگرانی، بی‌اعتمادی و یأس را برای افراد به‌وجود می‌آورد و در نتیجه، عامل اصلی بروز ناامنی‌های اجتماعی است. تنها در سایه‌ی عدالت است که نیل به امنیت نسبی برای یک جامعه امکان‌پذیر می‌شود.

از دید قرآن کریم، نظمی باارزش است که بر اساس عدالت باشد؛ یعنی حقوق تمام افراد در قالب آن رعایت شود. جامعه‌ای که با بی‌عدالتی مواجه است، فاقد امنیت است؛ زیرا بی‌عدالتی بزرگ‌ترین ناامنی اجتماعی است و تا رفع نشود، امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایجاد نمی‌شود. (تهامی، ۱۳۸۸: ۱۱۳) به همین دلیل، در اصل اول سند چشم‌انداز بیان شده است که جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز باید متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی، مبتنی بر عدالت اجتماعی باشد تا از این رهگذر، امنیت را برای جامعه‌ی توسعه‌یافته‌ی ایران به ارمغان بیاورد. در اصل چهارم سند چشم‌انداز چنین آمده است که جامعه‌ی ایرانی در افق ۱۴۰۴ باید: «برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب» (اصل پنجم سند چشم‌انداز)، باشد. بخش از اعظمی از مؤلفه‌های این اصل، حکایت از مصادیق عدالت اجتماعی دارد که مهم‌ترین آن، دوری از فقر، فساد و تبعیض است. وجود چنین مؤلفه‌هایی امنیت‌سوز هستند، زیرا که سلب آسایش روانی، بی‌اعتمادی و تشنج در سطح جامعه را به‌وجود می‌آورد و در این شرایط، بحث از امنیت، عبث خواهد بود. بنابراین، برپایی و تعمیق عدالت اجتماعی می‌تواند عنصری امنیت‌ساز باشد و به رشد و تعالی فرهنگی جامعه و امنیت فرهنگی کمک شایانی نماید.

استقرار «جامعه‌ی امن» و «اخلاقی» (اصل سوم و هفتم سند چشم‌انداز)

ایران بر اساس اصل سوم بیان‌شده در سند چشم‌انداز، کشوری «امن، مستقل و مقتدر» می‌باشد. این رویکرد دارای وجوه ایجابی و سلبی می‌باشد و دارای ابعاد اجتماعی- فرهنگی و سیاسی است. کشوری می‌تواند امن باشد که در داخل کشور، مردم از حداقل‌های زندگی

برخوردار باشند و دولت نگرانی از تهدید خارجی نداشته باشد. در کشور امن، آحاد مردم از امنیت در حوزه‌های مختلف برخوردار هستند و در آسایش و به دور از ترش، خوف و ارباب به حیات اجتماعی و فرهنگی خود ادامه می‌دهند. در این جامعه، ملت در برابر تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزهای ملی خود، امنیت دارد. تأمین امنیت جامعه یعنی خنثی نمودن تمامی نیروهای تهدیدکننده‌ی داخلی که می‌تواند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی باشند که هر کدام به نوعی جامعه و دولت را تحت فشار و مورد تهدید قرار می‌دهند. امنیت داشتن جامعه‌ی ایرانی در بعد فرهنگی و اجتماعی به معنای آزادبودن مردم در شیوه‌ی زندگی خود بدون نگرانی از ناامنی‌های فرهنگی و اجتماعی است. از این‌رو، قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت، مذهب و عرف ملی نشان از جامعه‌ی امن و اخلاقی دارد.

در بند هفتم سند چشم‌انداز آمده است که ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری با جامعه‌ی اخلاقی است. ایجاد جامعه‌ی اخلاقی، هدف بزرگ پیامبران خدا بوده و پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (برای تمام کردن اخلاق مبعوث شدم). در جامعه‌ی اخلاقی، انسان‌ها با آرامش و احساس امنیت و بدن دغدغه‌ی زندگی خواهند کرد. در جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم است، امنیت در همه‌ی ابعاد آن به اوج می‌رسد و افراد در آن احساس برادری دارند. تصریح خداوند بر «انما المؤمنون اخوه و اصلاح ذات‌البین»، به این مفهوم است که اگر مشکلی در روابط افراد پدید آمد، «فاصلحوا بین اخویکم»، چراغ راه بوده و با این شیوه است که یک جامعه‌ی اخلاقی پدید می‌آید. (علاهی، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۱) با این اوصاف، جامعه‌ی اخلاق‌گرا برای پیمودن شیوه و سبک زندگی سالم، نیازمند الگو و مدل مناسب است. این الگو و مدل در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) است. پیامبر اکرم (ص) از سوی خدا با بهترین منزلت‌های اخلاقی معرفی شده است و ایشان خود را به‌عنوان رسول و سفیر الهی مأمور به تعلیم انسان و ساختن یک جامعه‌ی اخلاقی می‌داند. ایشان علاوه بر مأموریت تربیت انسان و جامعه، وظیفه‌ی مهم تحول بخشیدن و تقدیر رفتار و اخلاق مردم به سمت بهترین و بالاترین اعمال و اخلاق بر عهده داشتند. از این‌رو، سیره‌ی رسول اکرم (ص) منبع اصیلی برای معنا کردن و عینیت بخشیدن به جامعه‌ی اخلاقی رو به تعالی است. (قصری و دوستدار، ۱۳۸۸: ۷۳) با توجه به

سند چشم‌انداز، جامعه‌ی امن و اخلاقی باید در پرتو «مقتضیات فرهنگی»، «تعهد به نظام اسلامی»، «در مسیر تحقق آرمان‌ها»، «ارزش‌های ملی» و سایر مؤلفه‌های فرهنگی صورت پذیرد و به همین دلیل، جامعه‌ی امن و اخلاقی یکی از مؤلفه‌ها و بسترهای زمینه‌ساز امنیت پایدار فرهنگی محسوب می‌شود.

تقویت «هویت اسلامی و انقلابی» (مقدمه‌ی سند چشم‌انداز)

در امنیت فرهنگی و اجتماعی، دیدگاه‌هایی که تمامیت ارزشی، اعتقادی، سنت‌ها و هویت وحدت‌بخش جامعه را نفی یا کم رنگ کند و ضریب همگرایی را کاهش دهد، تهدید امنیتی محسوب می‌شود و از این رو، این بعد از امنیتی فرهنگی - اجتماعی را می‌توان امنیت هویتی معرفی نمود. (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۰۸) با این تفاسیر، هویت اسلامی و انقلابی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، یکی از مؤلفه‌های جامعه‌ی امن فرهنگی محسوب می‌گردد و استحاله‌ی هویت ارزشی و انقلابی، ناامنی فرهنگی و تهدیدات نرم فرهنگی را به همراه خواهد داشت.

ایرانیان به دلیل حاکم بودن خصلت انقلابی بر رفتار مردم آنها، همواره در اقدامات فرهنگی به صورت خودجوش عمل می‌کرده و می‌نمایند. حاکمیت و ترویج هویت اسلامی و انقلابی ریشه‌ای تاریخی در ایران دارد و بعد از پیروزی انقلاب تبلور یافته است. تثبیت و حفظ انقلاب منوط به شکل‌گیری تحولات فرهنگی گسترده‌ای در کشور بود. بر این اساس، فرهنگ‌سازی جامعه با معیارهای اسلامی و انقلابی چه به دست نهادهای انقلابی و چه به کمک حرکت‌های مردمی با هدایت مسئولان انقلاب از همان روزهای اول شروع شده بود. بررسی کارکردها و عملکردهای بیش‌تر نهادهای انقلابی در آن زمان نشان می‌دهد که توجه به امور فرهنگی و هویتی بخش اعظم مأموریت‌های آنها بوده است. در مجموع فعالیت‌های فرهنگی انقلابیون را در عرصه‌ی ترویج هویت اسلامی و انقلابی می‌توان در دو سطح تحلیل نمود:

- در سطح اول تمرکز اصلی انقلابیون به تقویت ایدئولوژیک جامعه و تزریق هویت اسلامی و انقلابی در جامعه بود. در این چارچوب انواع و اقسام روش‌ها از جمله

سخنرانی‌ها، تولیدات هنری، تبلیغات سمعی و بصری، انتشار کتب و مطبوعات، تشکیل کلاس‌های عقیدتی و سیاسی به‌کار گرفته می‌شد.

- در سطح دوم، انقلابیون به اقداماتی که به‌نوعی بالابردن سطح توسعه‌ی فرهنگی مردم و مخصوصاً مناطق محروم می‌شد، توجه داشتند. (ولی پور زرومی، ۱۳۸۳: ۱۹۵-۱۹۴) با این تفاسیر، هویت اسلامی و به عبارتی بهتر، اسلام شیعی در ساخت و قوام فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران بیش‌ترین نقش را ایفا نموده است. اسلام شیعی نه تنها مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده به هویت (به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ی فرهنگ راهبردی) جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، بلکه نقش اصلی را در تعیین ارزش‌ها، باورها، هنجارها و انتظارات مشترکی دارد که در کنار هم به فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شکل داده‌اند.

در این راستا، هویت اسلامی و اسلام شیعی با شکل دادن به هویت جمهوری اسلامی ایران به جهان‌بینی و چشم‌انداز جدیدی منجر شده است که تقریباً همه‌ی برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات کلان جمهوری اسلامی ایران را در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی تعیین می‌کند. به تعبیر دیگر، اسلام شیعی و هویت منبعث از آن مهم‌ترین مبنای هویت جمهوری اسلامی ایران است. برای درک موضوع کافی است به مواد و بندهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود که بارها به صراحت مذهب شیعه را مبنای هویت نظام جمهوری اسلامی معرفی نموده است. بنابراین، هویت اسلامی و انقلابی مهم‌ترین عامل ایجابی در تعیین شاخص‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دیگر، هویت اسلامی و انقلابی بیش‌ترین نقش را در برنامه‌های کلان امنیتی، نظامی و دفاعی دارند. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۳) به همین دلیل بوده است که امام خمینی^(ره)، هویت اسلامی و انقلابی را به مثابه اساسی‌ترین مؤلفه‌ی امنیت‌زای فرهنگی می‌دانستند و بر نقش آن در بقای جامعه تأکید داشتند و هدف اساسی انقلاب و نظام اسلامی را رسیدن به جامعه‌ای امن، پایدار و با ثبات از نظر فرهنگی می‌دانستند که در آن

برای تحقق امنیت فرهنگی باید از هویت‌های غیربومی و وابسته دوری جست و به فرهنگ اصیل، بومی، دینی و هویت‌دار روی آورد. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

متکی بودن بر «ارزش‌های اسلامی» (اصل اول سند چشم‌انداز)

ماکس وبر درباره‌ی اهمیت نقش باورهای مذهبی در فرهنگ و هویت ملت‌ها بیان می‌کند که انسان جدید حتی با بیش‌ترین حسن‌نیت نمی‌تواند اهمیت و تأثیر باورهای دینی را در فرهنگ، خصلت و هویت ملی باز شناسد. بنابراین، هنگامی که از «جمهوری اسلامی» و «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران» صحبت می‌کنیم، در وهله‌ی نخست، این صفت اسلامی است که تعیین‌کننده‌ی مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هاست که نوعی هویت اسلامی برای این کشور را ایجاد کرده و تأثیری بسیار داشته باشد. چرا که در نظام جمهوری اسلامی ایران، جمهوریت را می‌توان بیانگر شکل نظام سیاسی و اسلامیت را بیانگر محتوای آن دانست. (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۷)

از منظری دیگر، باورهای دینی و آموزه‌های دین مبین اسلام به مثابه دینی سیاسی، اهرم‌های قوی معنوی‌ای داشته است که بر قدرت حرکت‌آفرین، هویت‌بخش، بسیج‌گر و امنیت‌زا برای جامعه‌ی اسلامی و مقصد انقلاب اسلامی و چراغ راهنمای جامعه، معیار رفتار و کردار فردی و اجتماعی و ملاک سنجش عملکرد مردم و دولت‌مردان متکی بوده است. اسلام با قواعد و آموزه‌های الهی خود ضامن سلامت اخلاقی افراد، گروه‌ها و جامعه و با توان بسیج اجتماعی و سیاسی‌اش، الهام‌بخش حرکت عظیم، اعتقادمحور، آزادی و آگاهانه‌ی مردم مسلمان ایران و رکن‌رکین سازنده و نگه‌دارنده‌ی انقلاب و نظام اسلامی است. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) بنابراین، دیدگاه، فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در جامعه‌ی اسلامی می‌تواند نتایجی هم‌چون رهایی‌بخشی از وابستگی‌های فرهنگی، تقویت هویت ارزشی، امنیت‌زایی فرهنگی و انسجام و وحدت فرهنگی را به همراه داشته باشد.

تحکیم «سازگاری اجتماعی» (اصل پنجم سند چشم‌انداز)

اصل پنجم سند چشم‌انداز بر عنصر «روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی» تأکید کرده است. هرچند این مؤلفه در نگاه نخست، مؤلفه‌ای اجتماعی به نظر می‌رسد، ولی کارکردهایی فرهنگی دارد و در افق ۱۴۰۴ می‌تواند بسترهای پایداری امنیت فرهنگی را فراهم آورد.

تعارض زیرساخت‌های مختلف اجتماع که به شکل دو یا چندگانگی ساختاری خود را نشان می‌دهد، جامعه را در سطوح مختلف اعم از هنجارها، ارزش‌ها، نهادهای اجتماعی، سازمان‌ها و... در شرایط ناامن فرهنگی و اجتماعی قرار می‌دهد و نتیجه‌ی این امر در سطح اندیشه و گرایش‌های کلی، تشتت‌آرا، تفرقه و تعارض فکری و در نهایت، عدم وفاق یا سازگاری فرهنگی و اجتماعی است. برای بیان این موضوع باید به تأثیرات وجود سازگاری و وفاق اجتماعی توجه داشت که عبارتند از این‌که موجب ثبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌شود، پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی و تعاون اجتماعی را افزایش می‌دهد، زمینه را برای همکاری اجتماعی فراهم و یکی از بسترهای مهم پیشرفت مهیا می‌شود و در نهایت، این‌که نقش هویت‌بخشی به عناصر درونی جامعه می‌دهد و جامعه را در برابر هجوم فرهنگ‌های بیگانه تا حدودی بیمه می‌کند. (میرسندسی، ۱۳۹۱: ۹۵) ارتباط، سازگاری و ارتباط لایه‌های اجتماعی و تعامل اجزای نظام فرهنگی (فرهنگ آرمانی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و...) در قالب یک نظام یکپارچه، ظرفیت‌های تولید قدرت فرهنگ را افزایش داده و کارکرد نظام اجتماعی را به‌سوی یکپارچگی و انسجام ساختاری سوق می‌دهد.

هرچه اجزای نظام اجتماعی - فرهنگی از تجانس و هماهنگی بیش‌تری برخوردار باشند و ظرفیت‌های خود را در جهت اعتلای فرهنگ آرمانی هم‌افزا و هم‌سو نمایند، انسجام فرهنگی و یکپارچگی اجتماعی بیش‌تر و در نتیجه، ساخت نظام سیاسی را از قوام و استحکام درونی برخوردار خواهد ساخت. بازسازی بخش‌های فرسوده‌ی فرهنگی و جداسازی عناصر نامتجانس و ناهم‌خوان در فرایند سازگاری و وفاق اجتماعی، نقاط آسیب‌پذیر فرهنگی را ترمیم کرده، راه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه را مسدود می‌کند (خزائی، ۱۳۸۸: ۲۴) و در نهایت، امنیت

فرهنگی را تضمین می‌سازد. با این تفاسیر، یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی امن فرهنگی و بسترساز امنیت فرهنگی، وجود وفاق و سازگاری اجتماعی است، به این دلیل که بسترهای مقاومت فرهنگی در برابر آسیب‌ها، چالش و تهدیدات فرهنگی را فراهم می‌کند و در عین حال، به تقویت هویت جمعی در راستای پایدارسازی فرهنگ حاکم بر جامعه کمک می‌نماید.

صیانت از «آزادی‌های مشروع» (اصل اول سند چشم‌انداز)

یکی از عوامل مهم فرهنگی در جوامع مختلف، به ویژه در اسلام، آزادی است. هیچ مکتبی به اندازه‌ی مکتب اسلام بر ضرورت آزادی مسئولانه‌ی انسان تأکید نکرده است. یکی از شروط اصلی و ضروری توسعه‌ی ملی در هر کشوری وجود آزادی‌های اجتماعی است، بدون تحقق آزادی‌های اساسی افراد، امکان پیشرفت و توسعه برای هیچ کشوری وجود ندارد. در سایه‌ی آزادی است که انگیزه‌ی حرکت و تلاش برای سازندگی در جامعه ایجاد می‌گردد و سبب می‌شود تا استعدادها بارور و خلاقیت‌ها شکوفا گردد. جامعه‌ای که آزادی‌های اساسی افراد آن محدود شده باشد، جامعه‌ای ضعیف، بی‌روح و دستخوش ناآرامی‌هاست و فاصله‌ی زیادی تا مسیر توسعه در پیش دارد. توسعه‌ی ملی در یک کشور نیازمند تلاش و شرکت همگانی است و این امر در صورتی میسر می‌شود که آزادی‌های اساسی مردم تأمین باشد. آزادی‌های اساسی و حقوق اجتماعی افراد مؤلفه‌های متعددی دارد که در بین آنها آزادی‌های اندیشه، عقیده، قلم و بیان از اهمیت خاصی برخوردار هستند. جامعه‌ای زنده و پویاست که در آن تبادل افکار و اندیشه‌ها صورت گیرد و ظهور این ایده‌های نو و رشد استعدادها در سایه‌ی آزادی بیان و تبادل افکار میسر است.

وجود آزادی‌های اساسی مشروع برای افراد در هر جامعه‌ای امنیت را افزایش می‌دهد؛ زیرا از یک سو افراد جامعه از حقوق اساسی خود برخوردارند و در نتیجه، نارضایتی عمومی از بین می‌رود و مردم با آرامش خاطر به سازندگی و فعالیت همگانی برای پیش‌برد امور جامعه می‌پردازند و از سوی دیگر، اگر به هر دلیلی جریان کارها و امور جامعه از مسیر خود خارج شود، مردم با آزادی کامل صدای خود را به مسئولان رسانده و جلوی هرگونه انحراف،

خودمحموری و یا بی‌عدالتی را می‌گیرند. به عبارتی، آزادی‌های مشروع افراد در جامعه‌ی اسلامی به مثابه سوپاپ‌های اطمینان جامعه عمل می‌کنند و قبل از این‌که نارسایی‌ها در اثر مشکلات فرهنگی و اجتماعی به آستانه‌ی انفجار برسند و جامعه را دچار آنومی سازند، آزادی‌های مشروع در زمینه‌ی قلم، اندیشه و بیان به تخلیه‌ی فشارهای جامعه می‌پردازند و به تبع این امر، اشتباهات اجتماعی و فرهنگی اصلاح می‌گردند و اقدامات به مسیر صحیح هدایت می‌شوند. (تهامی، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۲) از این رو، برای تأمین امنیت فرهنگی در جامعه‌ی ایرانی، مسئولان موظف هستند تا آزادی‌های مشروع شهروندان را تأمین نمایند و موانع این آزادی‌های اساسی و مشروع را از بین ببرند و با عناصری را که به تهدید این حقوق می‌پردازند، مورد مجازات قرار دهند. آزادی‌های مشروع و تعمیق آن در جامعه سبب می‌شود فرهنگ اسلامی به درستی در جامعه پیاده شود، مردم احساس اطمینان خاطر داشته باشند، زمینه‌ها برای گوش دادن به نقدهای فرهنگی فراهم گردد و میزان مقبولیت مردم افزایش یابد.

تأکید بر «بازدارندگی همه‌جانبه» (اصل سوم سند چشم‌انداز)

دفاع و بازدارندگی همه‌جانبه در برابر تهاجم خارجی یکی از اصول تأثیرگذار در فرهنگ عمومی ایرانیان محسوب می‌شود که وارد فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شده است و نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌های نظامی کلان و در نتیجه، در سطح بازدارندگی کشور داشته است. وجود چنین اصلی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به این معناست که هرگونه تهاجم خارجی به ایران با مقاومت همه‌جانبه‌ی مردمی مواجه خواهد شد. برای مثال، همان‌گونه که روند جنگ هشت ساله‌ی تحمیلی نشان داد، مردم ایران در هنگام تهاجم خارجی به شکل گسترده و با تمامی توان در برابر نیروهای مهاجم مقاومت می‌کنند. در واقع، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های ایران با عراق در این جنگ، مشارکت همه‌جانبه‌ی مردان و زنان ایرانی از هر قشر و گروهی در جریان نبرد برمی‌گشت که در نهایت، همین تفاوت نقش مهمی در سرنوشت جنگ داشت. در واقع، تجربه‌ی گسترده‌ی ایرانیان از انواع تهاجم‌ها و دخالت‌های کشورهای دیگر در امور داخلی آنها، باعث ایجاد نوعی فرهنگ ضد دخالت خارجی گردیده

که در هنگام تهاجم به شکلی منتهی به دفاع همه‌جانبه و مردمی می‌گردد. بر این اساس، دفاع همه‌جانبه و مردمی به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر تهاجم خارجی و در هنگام تهاجم به‌عنوان عاملی برای جلوگیری از پیشروی و تسلط خارجی می‌شود. (ترابی، ۱۳۹۰: ۲۵۱) رویکرد دفاع همه‌جانبه بر توان بازدارندگی تأثیر گذاشته و نوعی بازدارندگی همه‌جانبه را به همراه خواهد داشت.

بازدارندگی، افزایش امکان توقف حمله‌ی تهاجمی (ضربه‌ی اول) حریف از راه اقتناع آن به غیرمفید بودن حمله یا فزونی میزان تهدیدی است که در واکنش به آن (ضربه‌ی دوم) متحمل خواهد شد. سیاست بازدارندگی در بطن خود از تهدیدهای محیطی تأثیرپذیر است. نوع تهدیدات و میزان شدت و جدیت آنها در شکل‌گیری این سیاست و چگونگی و ماهیت آن اثرگذار می‌باشد. از این‌رو، با در نظر گرفتن تحول و تطور در کمیت و کیفیت تهدیدات، رهیافت‌های تبیین بازدارندگی نیز دگرگون شده است. به همین دلیل، بازدارندگی در عصر حاضر مبتنی بر درک قدرت نرم و اثرگذاری آن بر تهدیدها و مقوله‌ی دفاع ملی در دوران معاصر است. بنابراین، بازدارندگی نرم مبتنی بر ظرفیت‌های اعتماد، شفافیت و همکاری دفاعی است. در این میان، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، از جمله اسناد راهبردی و بنیادین کشور است که در حوزه‌ی دفاعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نرم و سخت و هم‌چنین مشارکت مردمی و عمومی در روند بازدارندگی را مورد تأکید قرار داده و به‌عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کننده در دستیابی به وضعیت دفاعی مطلوب یا «جامعه‌ی امن» در این افق بیست ساله، جامعه‌ی ایرانی از ویژگی‌های چون ایمنی، استقلال و اقتدار با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه برخوردار است. نگاهی به سند چشم‌انداز در حوزه‌ی دفاع و امنیت نشان می‌دهد که اصل بازدارندگی به‌عنوان مبنای راهبرد دفاعی، تبیین و تثبیت شده است. کشور ایران هم‌اکنون از توان و قابلیت‌های پایه‌ای بالایی برخوردار است، اما نظر به تحولات جدید در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند استمرار تحول در این حوزه با رویکرد بهسازی و ارتقای قابلیت امکانات موجود و خلق تولیدات نوین می‌باشد. (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۰۴-۹۶)

در عین حال، باید توجه داشت که در اصل سوم سند چشم‌انداز بر «سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه» تأکید شده است و این امر حاکی از آن است که بازدارندگی در چشم‌انداز شامل دو بعد سخت و نرم می‌شود و آنچه در بعد فرهنگی حائز اهمیت است، نوعی بازدارندگی نرم است. با بررسی اصول سند چشم‌انداز مشخص می‌شود که تهدیدات صرفاً به تهدیدات سخت‌افزاری منتهی نمی‌شود، بلکه تهدیدات نرم و فرهنگی نیز در کمین جامعه‌ی ایرانی است و به همین علت، دفاع از جامعه‌ی ایرانی در برابر تهدیدات سخت و نرم نیازمند بازدارندگی همه‌جانبه است. یکی از بخش‌هایی که جامعه‌ی ایرانی نیازمند بازدارندگی است، حوزه‌ی فرهنگ و وجود تهدیدات فرهنگی است. فرهنگ اسلامی، اصول اخلاقی، آرمان‌ها، هویت اسلامی و انقلابی و سایر اصول فرهنگی مندرج در سند چشم‌انداز حاکی از نیاز به توانمندی در زمینه‌ی پدافندهای نرم فرهنگی است. با این تفاسیر، وجود تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، لزوم توجه به بازدارندگی همه‌جانبه را توجیه می‌کند که یکی از ابعاد آن، بازدارندگی تهدیدات فرهنگی است و منشأ این تهدیدات فرهنگی در دو سطح ملی و بین‌المللی است. در همین راستا، بازدارندگی همه‌جانبه می‌تواند زمینه‌های استقرار و مانایی جامعه‌ی امن فرهنگی و اخلاقی را فراهم آورد.

«کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه‌ی جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی»

(مقدمه‌ی سند چشم‌انداز)

یکی دیگر از راهبردها و شگردهای نیل به امنیت فرهنگی در چشم‌انداز، تلاش مدبرانه و جمعی برای تحقق آرمان‌ها و اصول اساسی نظام است. به عبارت دیگر، اصول اساسی، ارزش‌های بنیادین، فرهنگ غنی بومی، آرمان‌ها و سایر مؤلفه‌های ارزشی و فرهنگی نیازمند یک تلاش عمومی و همگانی برای برپایی، صیانت و ارتقا هستند. از این‌رو، تأمین امنیت فرهنگی، نیازمند تلاشی برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه است که به کمک تمامی شهروندان و حکومت تحصیل می‌شود. به همین دلیل است که در اصل سوم سند چشم‌انداز در حوزه‌ی سامان دفاعی بر «پیوستگی مردم و حکومت» تأکید شده است. تأمین امنیت فرهنگی و صیانت از ارزش‌ها و اصول قانون اساسی، بدن

داشتن برنامه و روش مناسب، نمی‌تواند موفقیتی را کسب نماید، زیرا امور فرهنگی نیازمند صبر، حوصله، برنامه‌ریزی بلندمدت و حرکت عقلانی است و به‌وسیله‌ی یک سلسله اقدامات احساسی، گذرا و سطحی نمی‌توان از فرهنگ در برابر تهدیدات پیچیده، خزنده و چندوجهی صیانت کرد و باید نظم، پشتکار جمعی، اعتقاد راسخ، حمایت مسئولان، همکاری مردم و تدبیر در امور مورد توجه قرار گیرد و از این طریق، امنیت فرهنگی را تأمین کرد. بنابراین، اگر اصول قانون اساسی و آرمان‌ها تحقق یابد و از گزند تهدیدات داخلی و خارجی در امان ماند، جامعه‌ی امن تأسیس می‌شود و در غیر این صورت، اگر برپایی و تحقق آرمان‌ها و اصول با سستی و ناقص صورت پذیرد، بسترهای ناامنی فرهنگی به‌وجود می‌آید.

نتیجه‌گیری

در سند چشم‌انداز مؤلفه‌هایی وجود دارد که الزامات تحقق امنیت فرهنگی را در افق ترسیم شده برای ایران را توجیه می‌نماید. به‌عنوان نمونه می‌توان به توسعه‌یافتگی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، «متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی» «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن»، «الهام‌بخش»، «جامعه‌ی اخلاقی»، «هویت اسلامی و انقلابی» اشاره کرد. در این مسیر، تهدیداتی پیش روی امنیت فرهنگی قرار دارد که با بررسی سند چشم‌انداز می‌توان آنها را در سطوح انسانی، ملی و راهبردی بررسی نمود. تهدیدات فرهنگی در سطح انسانی عبارتند از ضعف ایمان، رواج آزادی‌های نامشروع، رواج فساد، عدم فعالیت مناسب شخصی، عدم مسئولیت‌پذیری، کاهش ایشارگری، اضمحلال وجدان‌کاری، بی‌انضباطی، کاهش افتخار به ایرانی‌بودن، تقلیل روحیه‌ی تعاون در اشخاص، رعایت‌نشدن کرامت و حقوق انسان‌ها. تهدیدات فرهنگی در سطح ملی عبارتند از تزلزل در عزم ملی، تضعیف آرمان‌ها و اصول انقلابی، تخریب هویت اسلامی و انقلابی، عدم الهام‌بخشی و تأثیرپذیری از الهام‌بخشی کشورهای دیگر، کاهش امنیت اجتماعی، رواج اصول غیراخلاقی و ارزش‌های غیراسلامی، مخدوش‌شدن روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، تضعیف جامعه‌ی اخلاقی، تضعیف بنیان مستحکم خانواده، عدم توانایی در برپایی عدالت اجتماعی، توسعه‌یافتگی

نامتناسب با مقتضیات فرهنگی، کاهش کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه‌ی جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها. تهدیدات فرهنگی در سطح راهبردی عبارتند از عدم الهام‌بخشی در جهان اسلام، کاهش تعامل‌سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، تضعیف مردم‌سالاری دینی، کاهش سرمایه‌های اجتماعی، کاهش اقتدار و استقلال، تضعیف سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه، کاهش وابستگی به انقلاب و نظام اسلامی، تضعیف الگوی مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، تزلزل در نواندیشی، کاهش پویایی اجتماعی، ناکارآمدی در همگرایی اسلامی، تضعیف اصول عزت، حکمت و مصلحت، کاهش میزان پیوستگی مردم و حکومت. به هر روی، راه‌های رسیدن به امنیت فرهنگی با توجه به متن سند چشم‌انداز عبارتند از الهام‌بخشی (اصل هفتم سند چشم‌انداز)، تعمیق «عدالت اجتماعی» (اصل اول سند چشم‌انداز)، استقرار «جامعه‌ی امن» و «اخلاقی» (اصل سوم و هفتم سند چشم‌انداز)، تقویت «هویت اسلامی و انقلابی» (مقدمه‌ی سند چشم‌انداز)، متکی بودن بر «ارزش‌های اسلامی» (اصل اول سند چشم‌انداز)، تحکیم «سازگاری اجتماعی» (اصل پنجم سند چشم‌انداز)، صیانت از «آزادی‌های مشروع» (اصل اول سند چشم‌انداز)، تأکید بر «بازدارندگی همه‌جانبه» (اصل سوم سند چشم‌انداز)، «کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه‌ی جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» (مقدمه سند چشم‌انداز).

منابع

فارسی

- ۱- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۹): «امنیت اجتماعی و هویت»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی.
- ۲- احمدی، علی (۱۳۸۸): «امنیت جامع، رویکردی نوین به امنیت»، در ویژه‌نامه‌ی امنیت و توسعه؛ همایش پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷): «راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوم، بهار، شماره‌ی ۳.
- ۴- آشنا، حسام‌الدین و محمدصادق اسماعیلی (۱۳۸۸): «امنیت فرهنگی: مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال دوم، بهار، شماره‌ی ۵.
- ۵- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۹۰): «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، پائیز، شماره‌ی ۶۰.
- ۶- بهروزلک، غلامرضا و محمو علیپور گرجی (۱۳۹۰): «کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، بهار، شماره‌ی ۵۳.
- ۷- پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۹۰): «درآمدی بر مفاهیم مرتبط با نظریه اسلامی امنیت»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره‌ی ۶.
- ۸- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹): «بازدارندگی نرم؛ میانی و کاربست دفاعی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره‌ی ۲۸.
- ۹- ترابی، قاسم و علیرضا رضایی (۱۳۹۰): «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجاد، شاخص‌های اساسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، زمستان، شماره‌ی چهارم (پیاپی ۵۴).
- ۱۰- ترابی، قاسم (۱۳۹۰): «فرهنگ راهبردی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نامه دفاع، گردآوری محمود عسگری، شماره‌ی سوم، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

- ۱۱- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۸۸)؛ «*بعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی*»، تهران، نشر آجا.
- ۱۲- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸)؛ «*امنیت در نظام سیاسی اسلام*»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۳- خزائی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)؛ «*امنیت فرهنگی*»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هفتم، بهمن، شماره‌ی ۸۱
- ۱۴- داوری اردکانی، رضا و سیدرضا شاکری (۱۳۸۸)؛ «*امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)*»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، زمستان، شماره‌ی ۱۰.
- ۱۵- دوستدار، رضا (۱۳۹۰)؛ «*نقش و کارکرد نیروهای مسلح در تحقق امنیت ملی پایدار در چشم‌انداز ۱۴۰۴*»، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال چهارم، پائیز، شماره‌ی ۳.
- ۱۶- ربیعی، علی (۱۳۸۷)؛ «*مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم*»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۷- رحیمی‌روشن، حسن (۱۳۸۸)؛ «*سیاست امنیتی ایران در دهه‌ی نخست انقلاب اسلامی، با تأکید بر حوزه‌ی دفاعی*»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، بهار، شماره‌ی ۱۶.
- ۱۸- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۸۹)؛ «*میانی بین‌ذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، بهار، شماره‌ی اول (پیاپی ۵۱).
- ۱۹- رفیع، حسین و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۲)؛ «*تحصیل امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، بهار، شماره‌ی ۷۵.
- ۲۰- «*سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران*».
- ۲۱- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)؛ «*امنیت بین‌الملل*»، ترجمه‌ی سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲- صدرا، علیرضا (۱۳۸۵)؛ «*دکترین امنیت متعالی در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران*»، همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲۳- علائی، حسین (۱۳۹۱)؛ «*امنیت پایدار در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، پائیز، شماره‌ی ۳۹.
- ۲۴- علی‌بخشی، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ «*الگوی طرح ریزی راهبرد نظامی و مدیریت امنیت ملی*»، تهران، انتشارات دافوس.
- ۲۵- غلامی، رضا (۱۳۸۳)؛ «*فرهنگ و امنیت ملی*»، روزنامه‌ی همشهری، ۴ شهریور ماه.
- ۲۶- فتحی، بهروز (۱۳۸۵)؛ «*بررسی میزان تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور در حوزه‌ی فرهنگ*»، همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲۷- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۱)؛ «*راهکارهای تأمین امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه عملیات روانی، سال نهم، پائیز، شماره‌ی ۳۴.

- ۲۸- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۱)؛ «گونه‌شناسی چشم‌انداز در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در نقشه‌ی راه، طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد اول، تهران، انتشارات پیام عدالت.
- ۲۹- قصری، محمد و رضا دوستدار (۱۳۸۸)؛ «نگرش مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، در امنیت انسانی در غرب آسیا، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۳۰- قصری، محمد و رضا دوستدار (۱۳۸۸)؛ «نگرش مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۳.
- ۳۱- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۹)؛ «تقدم الهام‌بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
- ۳۲- کریمی، علی و اکبر بابایی (۱۳۹۰)؛ «امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)»، تهران، مطالعات راهبردی.
- ۳۳- لک‌زایی، نجف و محسن مرادیان (۱۳۸۵)؛ «ضرورت‌ها و ظرفیت‌های تحقق سند چشم‌انداز»، همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳۴- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)؛ «چهره متغیر امنیت ملی»، ترجمه‌ی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۵- محمدی، محمدهادی (۱۳۸۹)؛ «قدرت نرم و امنیت فرهنگی»، فصلنامه سیاست راهبردی، سال دوم، بهار، شماره ۶ و ۵.
- ۳۶- میرزمانی، اعظم و دیگران (۱۳۹۰)؛ «بررسی رابطه میان مهندسی فرهنگی و سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال ششم، بهمن و اسفند، شماره ۶۱ و ۶۲.
- ۳۷- میرسندهی، سیدمحمد (۱۳۹۱)؛ «عوامل اجتماعی امنیت؛ رویکردی ایرانی»، در پژوهشنامه امنیت اجتماعی (مبانی و مسائل امنیت اجتماعی)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۸- ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۵)؛ «درآمدی بر بازشناخت الزامات تحقق چشم‌انداز بیست ساله کشور»، همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳۹- ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳)؛ گفت‌مان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی.

اتکلیسی

- 40- Buzan, Barry(1997), "*People, States And Fear: An agenda for International Security studies in the post war era, Second edition*", boulder,co: Lynne Rienner.

- 41- Frank, N. Treager and Frank L. Simone(1973), "*An Introduction To The Study of national Security*", In National Security and American Society, Lawrence, University Prees Of Kansas.
- 42- Lynn, Sean and et.al(1995), "*global Dangers: changing dimensions of international security*", Cambridge, mass, London, MIT Press.
- 43- Williams, Paul(2008), "*Security studies*", New York, Rutledge.